

تبیین ساختار حاکم بر مکاتبات امام هادی (علیه السلام)

محمد جانی پور *

چکیده

آنچه تاکنون در حوزه مطالعات تاریخ اسلام و به خصوص دوران امامت امام هادی (ع)، مطرح شده بیشتر تبیین تاریخی حوادث بوده است. این امر موجب مغفول ماندن بسیاری از جوانب فرهنگی و اجتماعی وقایع شده است. به نظر می‌رسد آنچه امروز می‌تواند راهگشای فهم بسیاری از وقایع آن دوران باشد، تبیین دیدگاه‌ها و اصول و مبانی نظری آن امام همام، از خلال تحلیل محتوایی و مضمونی گفتار ایشان است. چراکه به واسطه فهم گفتمان هر شخص و چینش منطقی کلمات او در کنار یکدیگر، می‌توان به درکی جامع از دیدگاه‌ها و اعماق اندیشه‌های وی دست یافت.

در این مقاله، به دنبال آن هستیم با بررسی مضامین مکاتبات امام هادی (ع) به روش تحلیل محتوای مضمونی، ابتدا جمع‌بندی کلی از مکاتبات ایشان ارائه و سپس، نظام حاکم بر این مکاتبات را کشف کنیم. در نهایت نیز، به نگاهی جامع درباره مبانی سیاسی، فکری، عقیدتی و اخلاقی آن امام همام دست یابیم.

یافته‌های این تحقیق بیانگر آن است که بیشترین تلاش آن امام همام، در راستای تبیین جایگاه و نقش ائمه اطهار (ع) به عنوان مهم‌ترین رکن دین مبین اسلام، در جامعه اسلامی بوده است. حضرت بدین منظور، تلاش کرده‌اند تا با تجلیل از اهل بیت (ع)، معرفی خود با استفاده از علم غیب به عنوان امام بر حق، معرفی جانشینان خود، معرفی نواب و وکلاء، برائت از دشمنان اهل بیت و نهایتاً تأکید بر فرج حضرت مهدی (عج) این امر را تبیین کنند. البته، پاسخ به سوالات شیعیان و تبیین مبانی استخراج احکام و ملاک‌های آن نیز، از دیگر مباحثی است که در مکاتبات پیگیری شده است.

آنچه ضرورت چنین تحقیقی را روشن می‌سازد، توجه به نقش مبنایی و محوری این پژوهش‌ها، برای ورود به مباحث تاریخی و تحلیل گفتمان تاریخی و اجتماعی عصر ائمه اطهار (ع) است.

واژه‌های کلیدی

امام هادی (ع)، مکاتبات، تحلیل محتوا، تحلیل مضمونی.

* دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه امام صادق (ع). janipoor@isu.ac.ir

مقدمه

امام هادی (ع) دهمین امام و پدر بزرگ امام حاضر شیعیان است. ویژگی‌ها و صفات حضرت، همانند پدران بزرگوارشان بود که قلّه‌های شرف و فضیلت را پیموده بودند و بر بلندای کمال و عظمت می‌درخشیدند. به اعتراف همه منابع تاریخی و مورخان و هم‌عصران، ایشان در کثرت دانش و معارف عقلی و نقلی، یگانه عصر بودند (مفید، ۱۴۱۳: ۲/۳۱۳؛ طبرسی، ۱۳۹۰ق: ۳۷۲؛ راوندی، ۱۴۰۹: ۱/۴۲۰).

در رابطه با تاریخ ولادت این امام بزرگوار، اختلاف اقوال متعددی وجود دارد. بنا بر اقوال متعدد در کتب تاریخی، حضرت هادی (ع) در نیمه ماه ذی‌حجه سال ۲۱۲ق و در صربا، واقع در مدینه منوره، متولد شده‌اند. البته برخی، همچون ابن‌عبّاس، معتقدند که آن جناب در روز سه‌شنبه پنجم ماه رجب متولد شده‌اند و وفات امام نیز در ماه رجب سال ۲۵۴ق، در سامرا واقع شده است (امین، ۱۴۰۳: ۲/۳۶). آن حضرت در حالی که ۴۱ سال داشتند در شهر سامره که معتصم، خلیفه عباسی، در سال ۲۲۰ق بنا کرده بود، درگذشتند (حموی، ۱۳۶۳: ۲۳۱).

در این پژوهش برآنیم، تا با نگاهی کلی به مجموعه مکاتبات امام هادی (ع) با شیعیان و مخالفان و تحلیل محتوای آن‌ها، به بازسازی سامانه‌ای کامل و تصویرپردازی از اهداف هدایتی آن حضرت پردازیم؛ چراکه به واسطه فهم گفتمان هر شخص و چینش منطقی کلمات او در کنار یکدیگر و سپس، تحلیل محتوای آن‌هاست که می‌توان تا اندازه بسیاری، به درکی جامع از دیدگاه‌های آن فرد در رابطه با موضوع مطالعه و اعماق اندیشه‌های او دست یافت.

محور مطالعه این مقاله، مجموعه نامه‌های آن امام همام است که در جلد سوم کتاب موسوعه الامام الهادی (ع)

جمع‌آوری شده است (خزعلی، ۱۴۲۶: ۲/۳۴۷ تا ۴۶۴).

این موسوعه مشتمل بر، هیچ‌گونه تحلیل و بررسی نیست و تنها به جمع‌آوری و نقل اخبار می‌پردازد؛ بنابراین، در این مقاله به علت استناد مکتوبات امام هادی (ع)، تلاش شده است در عین ارجاع به منابع متقدم، منابع متأخر نیز فحوص و بررسی شوند. این مکاتبات نیز عمدتاً در منابعی ذکر شده که در میان علمای شیعه، از اعتبار و وثاقت درخور ملاحظه‌ای برخوردارند؛ همانند: اصول کافی کلینی در سال ۳۲۹ق، رجال کشی محمدبن عمر کشی در سال ۳۵۰ق، الغیبه محمدبن ابراهیم نعمانی در سال ۳۶۰ق، الفقیه من لا یحضر الفقیه و معانی الاخبار و کمال‌الدین اثر ابن‌بابویه در سال ۳۸۱ق، تهذیب الاحکام و استبصار محمدبن حسن طوسی در سال ۴۶۰ق، مکارم الاخلاق از حسن بن فضل طبرسی در سال ۵۴۸ق، کشف الغمه علی بن عیسی اربلی در سال ۶۹۳ق، اثبات الوصیه ابوالحسن مسعودی در سال ۳۴۶ق، تحف العقول حسن بن شعبه حرانی در سال ۴۱۳ق، دلائل الامامه محمدبن جریر طبری در سال ۴۶۰، الخرائج و الجرائح قطب‌الدین راوندی در سال ۵۷۳ق، المناقب ابن شهر آشوب مازندرانی در سال ۵۸۸ق، اقبال الاعمال و جمال الاسبوع سیدبن طاووس در سال ۶۶۴ق.

در ادامه، پس از ارائه توضیحاتی مختصر درباره اهمیت مکاتبات امام هادی (ع) در عصر خود و نیز روش تحقیق اتخاذ شده در پژوهش، به تحلیل محتوای مکاتبات امام (ع) می‌پردازیم.

اهمیت پرداختن به مکاتبات امام (ع)

شکی نیست که کتابت، از امور پسندیده و شایسته‌ای است که جمیع عقلاء بشر، بر اهمیت آن اذعان دارند؛

رایج این عصر، جور و ظلم به مردم به خصوص علویان و نیز آشفتگی در وضع سیاسی حکومت بود. در این وضع تاریکی و خفقان که شیعیان از ارتباط با امامان و حتی سلام کردن به آنان محروم بودند (قرشی، ۱۳۷۵: ۲۰۸ تا ۲۱۰) هرگونه ارتباط مستقیم و مشافهی امام با شیعیان خطرآفرین و غیرممکن بود. مؤید این مطلب، مجموعه فعالیت‌های مخفیانه امام و شیعیان برای برقراری ارتباطات حضوری است (جباری، ۱۳۸۲: ۴۸ و ۴۹).

در این وضعیت خفقان، حتی ارسال نامه‌ها نیز با مشکلات فراوانی روبه‌رو بود؛ به گونه‌ای که گاه نامه‌ها در پوشش و به صورت پنهانی، برای مخاطبان خاص ارسال می‌شد (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق: ۴/۴۲۷).

علاوه بر این، فشار بر شیعیان در شهرهای مختلف بسیار چشمگیر بود. شهر قم که مأمن شیعیان بود، سخت‌گیری و ستم فراوانی به خود دید (ابن طاووس، ۱۴۱۱: ۶۳). برای این اساس، ارتباط مکاتبه‌ای بهترین راه ممکن، برای انتقال فرامین و دستورالعمل‌ها به نظر می‌رسید؛ چون علاوه بر حفظ جان امام و شیعیان، موجب کاهش حساسیت خلفای عباسی به ایشان می‌شد.

به سومین عامل مهمی که در تحلیل و تعلیل رفتار امام هادی (ع) و ارتباط غیرمستقیم و مکاتبه‌ای ایشان، با شیعیان باید توجه کرد وظیفه ایشان در آماده‌سازی شیعیان، به وضعیت عصر غیبت است. یکی از مشخصات بارز عصر غیبت آن بود که شیعیان برای طرح مشکلات خود، می‌بایست آن‌ها را به صورت مکتوب به وکلای امام عصر (عج) تحویل می‌دادند و سپس، پاسخ را در قالب توقیعات دریافت می‌کردند. این برنامه در عصر سایر ائمه (ع) نیز انجام می‌شد؛ ولی در عصر امام هادی (ع) که شیعیان در آستانه ورود به

چراکه از جمله نشانه‌های رشد و تعالی فرهنگ و تمدن بشری محسوب می‌شود. در احادیث متعددی نیز، بر موضوع اهمیت و ضرورت نگارش تأکید شده است؛ مانند آنچه احمد بن حنبل در مسند خود، از جدش نقل می‌کند که پرسیدند: «یا رسول‌الله! إنا نسمع منك أحادیث لا نحفظها، أفلا نکتبها؟» و پیامبر (ص) پاسخ دادند: «قال: بلی، فاکتبوا» (ابن حنبل، ۱۴۱۶: ۲/۲۱۵). همچنین، در منابع شیعه ابوبصیر از قول امام صادق (ع) نقل کرده است که: «اکتُبُوا، فَإِنَّكُمْ لَاتَحْفَظُونَ حَتَّى تَكْتُبُوا» بنویسید که تا ننویسید، نمی‌توانید آن را حفظ کنید (حرعاملی، ۱۳۹۱ق: ۲۷/۸۱؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۲/۱۵۲).

مسئله کتابت از جمله مسائلی است که از صدر اسلام، در دستور کار رهبران دینی و به خصوص ائمه اطهار (ع) قرار گرفته است. نامه‌های پیامبر اکرم (ص) برای قیصر و کسری و نجاشی، عهدنامه امیرالمومنین (ع) برای مالک اشتر، رساله حقوق امام سجاد (ع)، رساله ذهبیه امام رضاع (ع) و مجموع مکاتبات ائمه اطهار (ع) دال بر اهمیت و جایگاه والای کتابت و دانش در دین مبین اسلام است.

همچنین، توجه به پاره‌ای از شاخصه‌های عمومی و کلی عصر امام هادی (ع)، ارزش و اهمیت پرداختن به مکاتبات ایشان را روشن می‌سازد؛ از آن جمله می‌توان، به دوری مسافت میان مناطق شیعه‌نشین و محل زندگی امام هادی (ع) و نبود امکان سفر، برای همه شیعیانی که مایل به ملاقات با ایشان بودند به عنوان یکی از عللی اشاره کرد که ارتباط از طریق مکاتبات را درخور درک و تبیین می‌کند و حتی ضروری می‌نمایاند (جباری، ۱۳۸۲: ۱/۴۸).

عامل مهم دیگر، برای بسط و استمرار جریان مکاتبات، وضعیت خاص سیاسی و اجتماعی حاکم بر عصر امام، در دوره بنی‌عباس بود. مهم‌ترین شاخصه‌های کلی و

عصر غیبت بودند، تشدید شد (جباری، ۱۳۸۲، ج ۱: ۵۳).

این رویه را امام هادی (ع) چنان شایع کرده بود که شیعیان این نکته را مفروض می‌دانستند که برقراری ارتباط با امام، جز از طریق مراسله و مکاتبه صورت نمی‌پذیرد (صدر، ۱۴۱۲: ۱/۲۲۳).

این سیره رفتاری در تعاملات امام، با هدف پی‌ریزی شالوده رهبری شیعه، در دوران غیبت صغری شکل گرفته بود. براین اساس، امام هادی (ع) که بهترین راه ارتباطی با شیعیان را از طریق وکلا و مکاتبات می‌دانست، تا آخرین لحظات عمر شریف خود، مکاتبات با شیعیان را ادامه داد (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ۲/۴۷۳).

روش تحقیق

پیش از پرداختن به نتایج به‌دست‌آمده، از تحلیل محتوای مکاتبات امام هادی (ع)، لازم است ابتدا به توضیح روش تحقیق بپردازیم. روش «تحلیل محتوا» یا «روش تحلیل مضمونی» که روشی علمی، برای تفسیر «متن» است، از جمله روش‌های تحقیقی است که در حوزه علوم انسانی و به‌خصوص در رابطه با زیر رشته‌های علوم سیاسی و علوم اجتماعی کاربرد دارد. چون نتایج به‌دست‌آمده از طریق این روش، دارای اعتبار و روایی فراوانی بوده، توجه محققان و پژوهشگران را بسیار جلب کرده است. در ذیل به صورت مختصر، اطلاعاتی در رابطه با این روش بیان می‌کنیم.

لورنس باردن در کتاب خود، با عنوان «تحلیل محتوا» اشاره می‌کند که «تحلیل محتوا در حقیقت فن پژوهش عینی، اصولی و کمی به منظور تفسیر و تحلیل محتوای تفکر بنیادی تحلیل محتوا عبارت است از

قراردادن اجزای یک متن (کلمات، جملات، پاراگراف‌ها و مانند آن برحسب واحدهایی که انتخاب می‌شوند) در مقولاتی که از پیش تعیین شده‌اند» (باردن، ۱۳۷۵: ۲۹).

در حقیقت، تحلیل محتوا در رابطه با متنی معنی پیدا می‌کند که برای انتقال پیام‌ها و مفاهیم معینی نوشته شده و دارای ماهیتی مشخص باشد؛ لذا تحلیل محتوا، درباره کلمات عامیانه‌ای که دارای مفاهیم ساده بدیهی و مشخصی هستند به کار نمی‌رود. تحلیل محتوای متن، تاریخچه بسیار قدیمی دارد. با استفاده از این روش برای اولین بار، کتب و متون مذهبی را تجزیه و تحلیل کردند. در سال ۱۹۵۵م، مجموعه اشعار شاعری ناشناس تحت عنوان سرودهای صهیون بررسی شد؛ چراکه از سانسور دولتی مصون بود و منجر به تضعیف روحانیت ارتدوکس کلیسای دولتی می‌شد. اهمیت این تحلیل، بر سر خطرناک بودن یا نبودن مضمون این اشعار بود (باردن، ۱۳۷۵: ۹). لاسول عمده‌ترین کاربرد تحلیل محتوا را مطالعه ارتباطات، به منظور پاسخ‌دادن به این سوال قدیمی تحقیق در ارتباطات می‌داند «که چه کسی؟ چه چیزی را؟ به چه کسی؟ چرا؟ چگونه؟ و با چه تاثیری؟ می‌گوید» (کیوی، ۱۳۸۱: ۲۲۲).

در رابطه با فن انتخاب‌شده برای تحلیل محتوای مکاتبات امام هادی (ع)، در مقاله حاضر، باید گفت که پس از مطالعه انواع فنون روش تحلیل محتوا که در منابع مختلف درباره آن بحث شده است، فن تحلیل محتوای مضمونی، بر مبنای واحد جملات و به صورت کمی و کیفی و با تأکید بر کلید واژگان اصلی و فرعی انتخاب شد. مضامین، مفاهیم، نقاط تمرکز و جهت‌گیری عبارات هر نامه نیز، براین اساس استخراج و در جداول تحلیل محتوا تنظیم شده است.

به عبارت دیگر، ابتدا با نگاه به واژگان کلیدی هر نامه، مفاهیم اولیه تشکیل‌دهنده مضامین و نقاط تمرکز که

منظور از این اقدام، ثبت تحلیل‌های توصیفی اولیه است که هرچند به اثبات نرسیده‌اند در ادامه مسیر، می‌توانند راهگشای محقق در تحلیل‌های کیفی باشند.

۵. بررسی و تحلیل موضوعات اصلی، به منظور ایجاد دسته‌بندی موضوعی برای تمام مکاتبات؛

۶. بررسی و تحلیل موضوعات فرعی هر دسته، به منظور ایجاد طبقه‌بندی مضمونی برای هر موضوع؛

۷. استخراج اطلاعات آماری از موضوعات اصلی مکاتبات در قالب نمودار؛

۸. استخراج اطلاعات آماری از موضوعات فرعی هر دسته در قالب نمودار؛

۹. تحلیل کیفی مکاتبات هر دسته، براساس نتایج حاصل از تحلیل‌های کمی؛

۱۰. مدل‌سازی و ارائه نظریه، براساس نتایج تحقیق؛ درحقیقت، این امور ده‌گانه، روش تحقیق و عملکرد محققان را در این مقاله نشان می‌دهد که در ابتدای کار و پس از مطالعه روش تحقیق، به صورت اجمالی مشخص شده و در طول تحقیق نیز، به صورت تفصیلی تبیین شده است.

نمونه جدول تحلیل محتوای مکاتبات، در نرم‌افزار اکسل نیز بدین صورت است:

بیانگر کلیت فضای حاکم بر هر نامه بود، استخراج شد. در مرحله دوم، با درج عبارات نامه‌ها در جداول تحلیل محتوا، به استخراج جهت‌گیری‌ها و نقاط تمرکز هر یک از جملات تقطیع‌شده پرداخته شد.

پس از جمع‌آوری تمام مکاتبات امام هادی (ع) و اعتبارسنجی آن‌ها، فرایند تحلیل محتوای مکاتبات امام (ع) و تبدیل جملات به گزاره‌ها و مضامین و استخراج موضوعات اصلی و فرعی هر نامه آغاز شد. چگونگی یافتن مقولات و نتایج حاصل از تحقیق به شرح زیر است:

۱. تجمیع تمام مکاتبات، در نرم‌افزار «اکسل» و تفکیک آن‌ها براساس گیرنده نامه (گیرنده خاص و گیرنده عام)؛

۲. بررسی کامل محتوای کلی هر نامه، برای یافتن موضوع اصلی آن؛

۳. بررسی کامل عناصر تشکیل‌دهنده هر نامه، برای یافتن موضوعات فرعی آن؛ منظور از موضوعات فرعی، عناوینی است که هرچند به صورت مستقل در نامه مطرح نشده‌اند تشکیل‌دهنده مفهوم اصلی نامه هستند.

۴. ثبت سوالات و نکات درخور توجه هر نامه، در یادداشت‌های نظری تحقیق برای تحلیل محتوای کیفی؛

جدول ۱. نمونه جدول تحلیل محتوای مکاتبات

نام گیرنده	سوال مخاطب	پاسخ امام	جهت‌گیری کلی نامه	مضامین فرعی نامه	کدگذاری	یادداشت‌های نظری
۱. ابراهیم بن داود البیعوبی	پرسش از شخصیت فارس بن حاتم	اگر پیش تو آمد، او را کوچک بشمار و اعتنایی نکن	برائت از دشمنان	معرفی دشمنان: فارس بن حاتم	A1	مقدمه تحلیل گفتمان عصر امام هادی (ع)
۲. ابراهیم بن شیبیه	پرسش از نحوه برخورد با غالیان، منحرفان و تأویل‌گران	از آنان دوری کن	برائت از دشمنان	معرفی دشمنان: علی بن حسکه و قاسم یقطینی	A2	مقدمه تحلیل گفتمان عصر امام هادی (ع)
۳. ابراهیم بن عقبه	صحت نماز با پوست خرگوش	جایز نیست	نماز	احکام لباس نمازگذار	A3	-

۱.۱. سنجش فراوانی گیرندگان

در راستای تحلیل محتوای کمی، ابتدا مکاتبات بر مبنای ملاک مخاطب و گیرنده نامه، به دو گروه تقسیم شده است: نامه‌های دارای گیرندگان خاص و گیرندگان عام. منظور از گیرندگان خاص، مکاتباتی هستند که برای فرد خاص و مشخصی ارسال و در متن نامه یا اسناد تاریخی، اسم آن فرد ثبت شده است. از مجموع ۲۶۲ نامه جمع‌آوری شده از منابع تاریخی، تعداد ۱۱۶ نفر به عنوان گیرندگان خاص نامه احصاء شده‌اند. از این تعداد، ۲۲۹ نامه را امام هادی (ع) برای آنان ارسال کرده است.

منظور از گیرندگان عام نیز مکاتباتی هستند که برای اقوام، اهالی یک شهر، افراد یک گروه خاص یا افراد نامشخص نگاشته شده‌اند. در میان مکاتبات امام (ع)، ۱۲ گروه گیرنده عام وجود دارد که به علت عمومیت لفظ نام آن‌ها، ناشناس هستند و تعداد ۳۳ نامه را امام هادی (ع)، برای آنان ارسال کرده است. این گروه عبارت‌اند از: تاجر بالمدينه، موالیه به همدان، بعض موالیه، جماعه من الموالیه، بعض اهل العسکر، بعض الشيعه (۲ نامه)، اهل الأهواز، بعض أصحابه (۱۱ نامه)، رجل من اهل المدائن (۱۱ نامه)، من سأل عن التوحيد، إلی قاتل فارس بن حاتم القزوينی و الی الأعرابی.

در مجموع، باید گفت که تعداد ۲۲۹ نامه برای افراد خاص و تعداد ۳۳ نامه نیز، برای گیرندگان عام نگاشته شده‌اند. نمودار میله‌ای آن به صورت زیر است:

«موضوع اصلی»: عنوانی کلیدی و کلی که بیانگر مقصود اصلی هر نامه است. این موضوع کلی است و چارچوب اصلی متن را تشکیل می‌دهد. با نگاهی اجمالی به فهرست آن‌ها و بررسی میزان فراوانی هر کدام، می‌توان به سهولت تشخیص داد که متن مطالعه‌شده در چه حوزه‌ای بوده و در رابطه با چه نکاتی سخن گفته است (چوبینه، ۱۳۸۰: ۶۷).

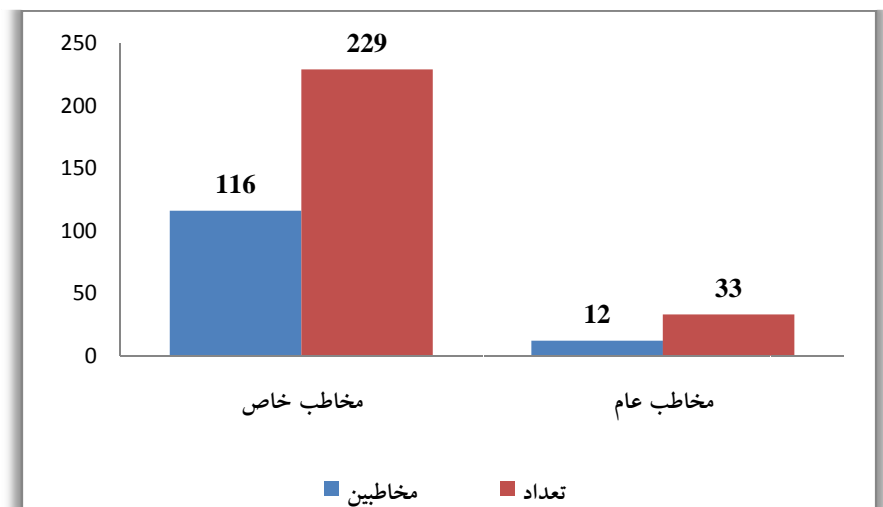
«موضوع فرعی»: عنوانی کلی است که هر یک از موضوعات مطروحه در متن را شامل می‌شود. به عبارت دیگر، برای سهولت بررسی هر متن، موضوعات استخراج شده در مرحله اول، در قالب عناوینی جزئی‌تر درج می‌شوند که به آن عناوین، موضوعات فرعی گویند. این موضوعات را که تحلیل‌گر استخراج کرده است، لایه‌های درونی متن را آشکار می‌کنند.

۱. تحلیل محتوای کمی مکاتبات

منظور از تحلیل‌های کمی، بررسی فراوانی مضامین و موضوعات اصلی و فرعی مطرح شده در متن است. این روش محقق را با ساختار عناصر و مؤلفه‌های به‌کاررفته در آن، بیشتر آشنا می‌کند. تحلیل‌های کمی راه ورود، برای تحلیل‌های کیفی را هموار می‌کنند و در اصل، نشان می‌دهند محقق بر چه مبنایی، به تحلیل‌های کیفی پرداخته است (کرپندورف، ۱۳۷۸: ۲۶).

در زیر، ابتدا نامه‌ها دسته‌بندی می‌شود و سپس، فهرست موضوعات مطرح شده در آن‌ها بیان خواهد شد.

نمودار ۱: تفکیک مکاتبات بر مبنای گیرندگان



به این نتیجه دست یافت که شایسته است این متن، عنوان دیگری داشته باشد؛ چراکه فراوانی آن موضوع بیشتر بوده و متن بیانگر دغدغه مؤلف، در رابطه با آن موضوع است.

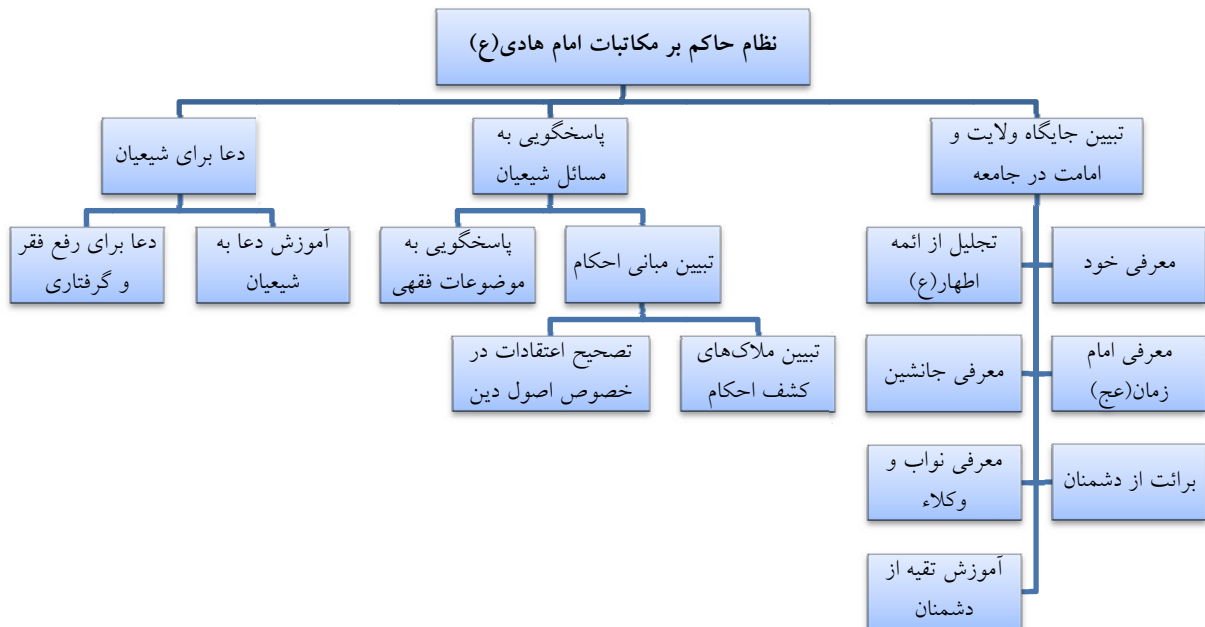
در زیر نموداری درج شده است که نظام حاکم، بر مکاتبات امام هادی (ع) را بر مبنای احصاء موضوعات اصلی و فرعی استخراج شده از جمیع مکاتبات نشان می‌دهد. استخراج این نمودار، بر مبنای نوع دسته‌بندی خاصی است که مؤلف مقاله، به صورت ابتکاری ایجاد کرده و هدف از آن، ترسیم فضای کلی حاکم بر مکاتبات است؛ بنابراین، ارائه آن در این مقاله به عنوان پیشنهاد است.

سنجش فراوانی موضوعات

منظور از سنجش فراوانی موضوعات، سنجش عناوین کلیدی و کلی است که عبارات و مضامین مختلف متن، به دنبال بیان شرحی در رابطه با آن عنوان هستند. این موضوعات کلی اند و چارچوب اصلی متن را تشکیل می‌دهند. با نگاهی اجمالی به فهرست آن‌ها و بررسی میزان فراوانی هر کدام، می‌توان به سهولت تشخیص داد که متن مطالعه‌شده در چه حوزه‌ای بوده و در رابطه با چه نکاتی سخن گفته است.

از دیگر کاربردهای سنجش فراوانی موضوعات، آشنایی با اندیشه‌ها و افکار مؤلف متن است. در مواقع متعدد، ممکن است متنی با عنوانی خاص مشهور شود؛ لکن پس از بررسی فراوانی موضوعات آن متن، ممکن است

نمودار ۲. نظام حاکم بر مکاتبات امام هادی (ع)



منظور از تحلیل محتوای کیفی، تکنیکی برای تفسیر ذهنی محتوای داده‌های متن، از طریق گدگذاری‌های طبقه‌بندی‌شده، به صورت سیستماتیک است. این روش به دنبال مشخص ساختن الگوهایی است که در نهایت، از مفاهیم ساخته می‌شوند. به عبارت دیگر، تحلیل‌های کیفی به مثابه تکنیکی، برای بررسی عمق بیشتری از پدیده اتخاذ شده که در نهایت، منجر به نظریه‌پردازی می‌شوند (هولستی، ۱۳۷۳: ۱۴).

در این قسمت، با توجه به موضوع اصلی مقاله، هدف آن است که تک تک موضوعات مطرح شده در مکاتبات امام هادی (ع) بررسی شود. چنان‌که پیش‌تر در بخش تحلیل محتوای کمی نیز گفته شد، تحلیل‌های کمی راه را برای ورود به تحلیل‌های کیفی هموار می‌کنند؛ بنابراین در این بخش، به صورت جزئی و اختصاصی،

در ادامه، باید این مطلب را توضیح داد که هدف از ارائه نموداری چنین، تنها نمایش کلی از محتوای آن اصولی است که امام هادی (ع) در مکاتبات خود، بدان اشاره کرده‌اند، نه اینکه بخواهیم به صورت منطقی و دقیق، همه امور مربوط به ولایت و امامت را در حوزه‌های مختلف معرفی و تبیین کنیم.

در بخش دوم یا تحلیل محتوای کیفی مکاتبات، تلاش بر آن است تا با درج نمودارهای کمی، برای موضوعات فرعی نامه‌ها: اولاً هر کدام از این موضوعات به دقت بررسی و تجزیه و تحلیل شود و ثانیاً با ذکر مثال‌هایی در هر بخش، برای اطلاع خواننده از چگونگی استخراج موضوعات اصلی و فرعی، به برخی از این مکاتبات اشاره شود.

۱. تحلیل محتوای کیفی مکاتبات

از پذیرفتن ولایتعهدی مأمون عباسی را تلاش برای هویتبخشیدن به شیعیان و احراز جایگاه اصلی خلافت و رهبری جامعه اسلامی برای ائمه اطهار(ع) برشمرد. ایشان در حدیث معروف و مشهور خود، با عنوان «سلسله الذهب» نیز بر مسئله ولایت و امامت، به عنوان تنها راه نجات و سعادت تأکید کرده‌اند (جانی پور، ۱۳۹۱: ۱۵).

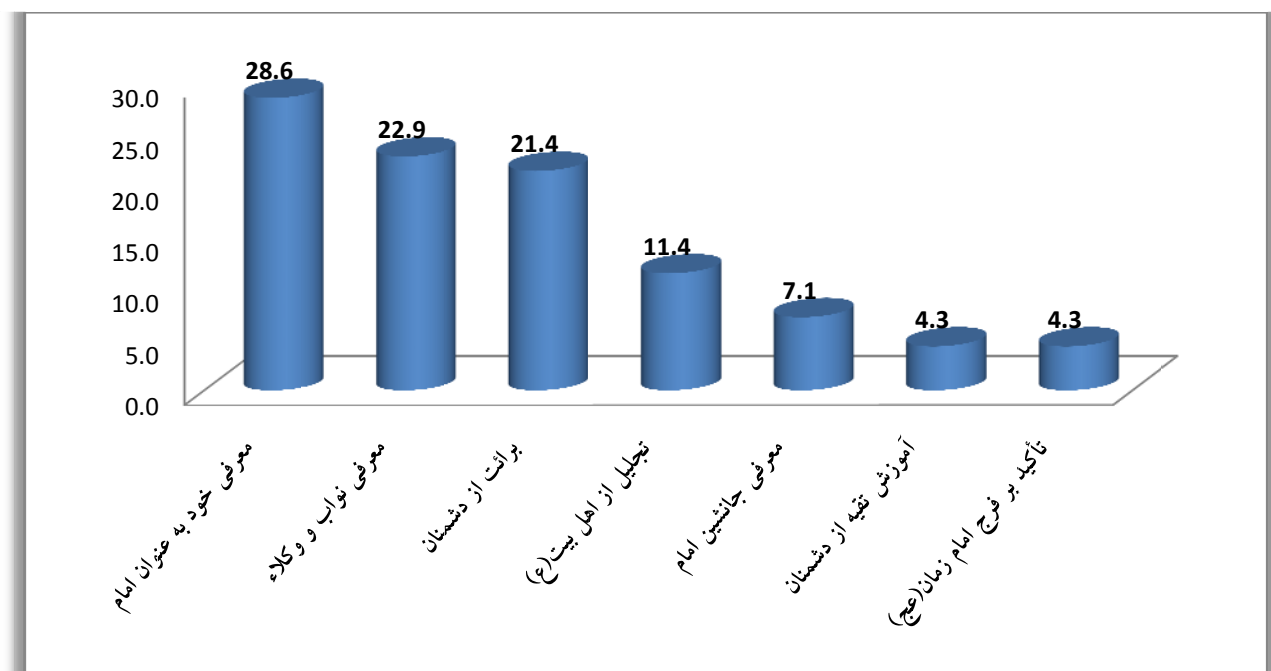
این جریان‌سازی و سیاست کلی را ائمه سامرا نیز پیگیری کردند و این امر، در احادیث و مکاتبات منقول ایشان به وضوح مشاهده می‌شود. فهرست نوع اقدامات امام هادی(ع)، در این راستا در نمودار زیر ارائه شده است:

به موضوعات پنج‌گانه‌ای که مردم از امام هادی(ع) می‌پرسیدند، اشاره خواهد شد.

تبیین جایگاه ولایت و امامت در جامعه اسلامی

ازجمله مهم‌ترین وظایف ائمه اطهار(ع)، به خصوص پس از قیام اباعبدالله الحسین(ع) در نیمه دوم قرن اول و در پی فضای اختناق و انحطاطی که خلفای عباسی، طی قرن دوم هجری در جامعه اسلامی ایجاد کرده بودند، تلاش برای تبیین جایگاه ولایت و امامت در جامعه اسلامی و ضرورت رجوع مردم، در همه امور به سمت ایشان بود. این امر به عنوان راهبرد و سیاستی کلان، در منظر ائمه اطهار(ع) مطرح بود؛ به‌گونه‌ای که امام رضا(ع) در سخنان و مکتوبات خود، هدف اصلی

نمودار ۳. سنجش فراوانی نوع اقدامات انجام‌شده در حوزه ولایت



۱.۱.۱. معرفی خود به عنوان امام معصوم(ع)

در خصوص شیوه‌های امام هادی(ع) برای معرفی خود، به عنوان امام و جانشین پدران بزرگوارشان یکی از

در ادامه، هر یک از نکات فوق توضیح داده شده و در زیر آن، دو نمونه از مکاتبات نیز درج شده است:

حراعاملی، ۱۴۲۵: ۳/ ۳۸۲؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۵۰/ ۱۸۰؛ خزعلی، ۱۴۲۶: ۳/ ۱۷۹).

آنچه در این بخش مهم است تلاش دقیق و ظریف امام، برای به‌کارگیری علم غیب خود، در جهت اثبات امامت و حقانیت خود و فرزندانشان است. تنها پس از یک دسته‌بندی کلی و احصاء جمیع نامه‌ها، می‌توان متوجه این امر شد؛ وگرنه، با مشاهده هر نامه ممکن است ذهن به سمت آن موضوع خاص معطوف شود و از درک کلیت موضوعاتی که در این زمینه بیان شده‌اند، غافل شود.

معرفی نواب و کلاء خود

از دیگر راهکارهای حضرت هادی (ع)، در راستای زمینه‌سازی غیبت حضرت مهدی (عج)، تعیین نواب و کلاء برای مراجعات مستقیم مردم با ایشان، اخذ وجوه شرعی، پاسخ‌گویی به مسائل، افتا و ... بوده است. در این خصوص، حضرت افراد خاص و متعهد را شناسایی و هر یک را در شهر خود، منصوب کرده و با نگارش نامه به بزرگان و مردم آن بلاد، آنان را معرفی کرده است.

به عنوان نمونه، أبو عمرو الکشی نقل می‌کند که در نزد محمدبن عیسی الیقطنی نامه‌ای به خط امام هادی (ع) دیده است که در آن امام، در سال ۲۳۲ق، علی‌بن‌بلال را به وکالت خود منصوب کرده‌اند. متن نامه بدین شرح است:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. أَحْمَدُ اللَّهِ إِلَيْكَ وَ أَشْكُو طَوْلَهُ وَ عَوْدَهُ وَ أَصَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَ إِلَيْهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ وَ رَحْمَتُهُ عَلَيْهِمْ ثُمَّ إِنِّي أَقَمْتُ أَبَا عَلِيٍّ مَقَامَ حُسَيْنِ بْنِ عَبْدِ رَبِّهِ فَأَتَمَّمْتُهُ عَلَى ذَلِكَ بِالْمَعْرِفَةِ بِمَا عِنْدَهُ وَ أَلَذِي لَأَ يُقَدِّمُهُ أَحَدٌ وَ قَدْ أَعْلَمْتُ أَنَّكَ شَيْخُ نَاحِيَتِكَ فَأَحْبَبْتُ إِفْرَادَكَ وَ إِكْرَامَكَ بِالْكِتَابِ بِذَلِكَ فَعَلَيْكَ بِالطَّاعَةِ لَهُ وَ

نکات بسیار مهم، استفاده از «علم غیب» به عنوان یکی از ویژگی‌های ائمه اطهار (ع) در کنار استناد به اقوال پدران بزرگوارشان و نصوص مبتنی بر تعیین ایشان است. این امر عمدتاً در قالب پاسخ‌گویی به سوالات ذهنی افراد است و منظور از این اصطلاح، تلاش امام برای پاسخ به سوالاتی است که آن فرد یا افراد نزدیک به او، از امام (ع) می‌کردند؛ اما به عللی در نامه خود، ننوشته و تنها در ذهن خود آن را طرح کرده‌اند. امام هادی (ع) در این مواقع، در کنار پاسخ‌گویی به سوالات ظاهری افراد، به آن سوال ذهنی و طرح‌نشده نیز پاسخ داده و بدین‌وسیله تلاش دیگری، برای اثبات امامت و حقانیت خود کرده‌اند

به عنوان نمونه، ایوب‌بن‌نوح نامه‌ای بدین مضمون برای امام می‌نویسد: «كَتَبْتُ إِلَيْ أَبِي الْحَسَنِ (ع) وَ قَدْ تَعَرَّضَ لِي جَعْفَرُ بْنُ عَبْدِ الْوَاحِدِ الْقَاضِي وَ كَانَ يُؤْذِينِي بِالْكُوفَةِ أَشْكُو إِلَيْهِ مَا يَنَالُنِي مِنْهُ مِنَ الْأَذَى.» امام هادی (ع) نیز در پاسخ به وی می‌نویسند: «تُكْفَى أَمْرَهُ إِلَيَّ شَهْرَيْنِ.» ایوب‌بن‌نوح در ادامه گزارش خود، توضیح می‌دهد که حاکم کوفه پس از گذشت دو ماه، از منصب خود عزل و به مکانی دیگر تبعید شد (راوندی، ۱۴۰۹: ۳۹۸/۱؛ اربلی، ۱۳۸۱: ۲/ ۳۸۵؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۵۰/ ۱۷۵؛ حر عاملی، ۱۴۲۵: ۳/ ۳۸۱؛ نباطی بیاضی، ۱۳۸۴: ۲/ ۲۰۳؛ خزعلی، ۱۴۲۶: ۳/ ۱۳۴).

همچنین علی‌بن‌محمد الحجاجال نقل می‌کند که برای امام (ع) نامه‌ای نگاشته و در آن از بیماری خود، شکایت و از آن حضرت، برای سلامتی طلب دعا کرده است؛ لکن امام هادی (ع) در پاسخ به وی چنین نگاشته‌اند: «كَشَفَ اللَّهُ عَنْكَ وَ عَنِّ أَبِيكَ» و در ادامه علی‌بن‌محمد الحجاجال توضیح می‌دهد که پدرش نیز، از جمله موالیان حضرت و بیمار بوده است؛ اما اسمی از او در نامه نبرده است (اربلی، ۱۳۸۱: ۲/ ۳۸۸؛

او را از امر فارس بن حاتم آگاه سازند. امام (ع) در پاسخ نامه چنین نگاشته‌اند: «لَا تَحْفَلْنَ بِهِ وَ إِنِ أَتَاكَ فَاسْتَحِفَّ بِهِ» (کشّی، ۱۳۴۸: ۵۲۲، طوسی، ۱۴۱۱: ۳۹۸ کلینی، ۱۳۶۵: ۴ / ۵۲۴؛ خزعلی، ۱۴۲۶ق: ۳/۹۰).

علی بن عبدالله الزبیری نیز در نامه‌ای به امام، در خصوص فرقه واقفه از ایشان پرسش کرده است و امام (ع) در پاسخ وی نگاشته‌اند: «الْوَاقِفُ عَانِدٌ عَنِ الْحَقِّ وَ مُقِيمٌ عَلَى سَبِيلِهِ إِنْ مَاتَ بِهَا كَانَتْ جَهَنَّمَ مَأْوَاهُ وَ بِئْسَ الْمَصِيرُ» (کشّی، ۱۳۴۸: ۴۵۵، مجلسی، ۱۴۰۴: ۴۸ / ۲۶۳؛ خزعلی، ۱۴۲۶: ۳/۱۷).

برائت و دشمنی برخی از افراد به ظاهر مسلمان، ولیکن منافق، با امام هادی (ع) و فتنه‌انگیزی آنان در جامعه اسلامی، به گونه‌ای بوده است که آن امام همام، در نامه‌ای خطاب به محمدابن عیسی ابن عبید به موالیان خود دستور می‌دهند که «فارس بن حاتم القزونی» را بکشند و برای قاتل وی، بهشت را ضمانت می‌کنند. این جریان باعث شد فردی به نام «جنید»، فارس را بکشد. امام در نامه دیگری خطاب به وی می‌نویسند: «هَذَا فَارِسٌ، لَعْنَةُ اللَّهِ يَغْمَلُ مِنْ قِبَلِي فَتَانًا دَاعِيًا إِلَى الْبِدْعَةِ وَ دَمُهُ هَدْرٌ لِكُلِّ مَنْ قَتَلَهُ فَمَنْ هَذَا الَّذِي يُرِيحُنِي مِنْهُ وَ يَقْتُلُهُ وَ أَنَا ضَامِنٌ لَهُ عَلَى اللَّهِ الْجَنَّةَ» (کشّی، ۱۳۴۸: ۵۲۳، حرع‌املی، ۱۳۹۱ق: ۱۵ / ۱۲۴ و ج ۲۸، ح ۳۴۸۵۸: ۳۲۰؛ خزعلی، ۱۴۲۶: ۳/۲۸۷).

تجلیل از ائمه اطهار (ع)

در خصوص تجلیل از ائمه اطهار (ع)، به عنوان ارکان جامعه اسلامی و یکی از مهم‌ترین اصول دین، می‌توان برای نمونه، به تویع آن حضرت خطاب به برخی از اصحابشان اشاره کرد که در آن آمده است: «إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ قُلُوبَ الْأَئِمَّةِ مَوْرِدًا لِإِرَادَتِهِ فَإِذَا شَاءَ اللَّهُ شَيْئًا شَاءَهُ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ» (و ما تشاؤون إلاً أن يشاء الله) (سوره

التسليم إليه جميع الحق قبلك و أن تحض موالى على ذلك و تعرفهم من ذلك ما يصير سبباً إلى عونه و كفايته فذلك توفير علينا و محبوب لدينا و لك به جزاء من الله و أجر فإن الله يعطي من يشاء أفضل الأَعْطَاءِ وَ الْجَزَاءِ بِرَحْمَتِهِ أَنْتَ فِي وَدِيَعَةِ اللَّهِ وَ كَتَبْتُ بِخَطِّي وَ أَحْمَدُ اللَّهِ كَثِيرًا» (کشّی، ۱۳۴۸: ۵۱۲، مجلسی، ۱۴۰۴: ۵۰ / ۲۲۲؛ خزعلی، ۱۴۲۶: ۳/۱۶۳).

همچنین ابراهیم بن محمد الهمدانی نقل می‌کند که در سال ۲۴۸ق، نامه‌ای به امام نوشته است و در آن، از دو تن که خود را نائب و وکیل آن امام خوانده و باعث اضطراب و حیرت مردم شده‌اند، پرسش کرده است و امام هادی (ع) در پاسخ فرموده‌اند: «لَيْسَ عَنْ مِثْلِ هَذَا يُسْأَلُ وَ لَا فِي مِثْلِهِ يُشْكُ قَدْ عَظَّمَ اللَّهُ قَدْرَ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ، مَنَعَنَا اللَّهُ تَعَالَى عَنْ أَنْ يُقَاسَ إِلَيْهِ، فَاقْصِدْ عَلِيَّ بْنَ جَعْفَرٍ بِحَوَائِجِكَ، وَ اجْتَنِبُوا فَارِسًا وَ امْتَنِعُوا مِنْ إِدْخَالِهِ فِي شَيْءٍ مِنْ أُمُورِكُمْ أَوْ حَوَائِجِكُمْ، تَفَعَّلْ ذَلِكَ أَنْتَ وَ مَنْ أَطَاعَكَ مِنْ أَهْلِ بِلَادِكَ، فَإِنَّهُ قَدْ بَلَغَنِي مَا تُمَوُّهُ بِهِ عَلَى النَّاسِ فَلَا تَلْتَفِتُوا إِلَيْهِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ» (کشّی، ۱۳۴۸: ۵۲۷، خزعلی، ۱۴۲۶: ۳/۱۰۲).

برائت از دشمنان اهل بیت (ع)

با گسترش معرفی نواب و وکلاء در بلاد اسلامی، از جمله اقدامات دشمنان و مخالفان ائمه اطهار (ع)، نفوذ در سیستم وکلاء و معرفی خود، به عنوان وکیل امام (ع) و تخریب چهره این افراد و ایجاد اختلاف و نفاق در جامعه اسلامی بوده است. پیرو این اقدام رذیلانه، لازم بود که ائمه اطهار (ع) اقدامات صریح و قاطعانه‌ای انجام دهند که نمونه آن را در بسیاری از مکاتبات امام هادی (ع) می‌توان مشاهده کرد.

به عنوان نمونه، ابراهیم بن داود الیعقوبی نقل می‌کند که برای امام نامه‌ای نگاشته و در آن درخواست کرده است

انسان، ۳۰) (صفار، ۱۴۰۴: ۴۷/۵۳۷؛ زرکشی، ۱۴۱۵ق: ۱۷/۶۷؛ خزعلی، ۱۴۲۶: ۳/۲۷۳).

همچنین در جایی دیگر، در تفسیر یکی از آیات قرآن کریم، می‌فرماید: «الشَّجَرَةَ الْمُبَارَكَةَ (سوره نور، ۲۴) عَلِيٌّ بِنَ أَبِي طَالِبٍ (ع)» (زرکشی، ۱۴۱۵: ۲۷/۱۷؛ خزعلی، ۱۴۲۶: ۳/۲۷۸).

معرفی جانشینان پس از خود

ابی‌بکر الفهفکی نقل می‌کند که نامه‌ای به امام هادی (ع) نگاشتم و در آن از مسائل مختلفی سوال کردم؛ لکن پس از ارسال آن، با خود اندیشیدم که ای کاش در رابطه با جانشین امام نیز پرسشی مطرح می‌کردم. پس از آنکه پاسخ امام به دستم رسید، متوجه شدم آن امام بزرگوار پس از پاسخ به سوالات مطروحه، در ادامه نامه چنین نوشته‌اند: «و کنت أردت أن تسألني عن الخلف و أبو محمد ابني أصح آل محمد صلى الله عليه و آله و سلم غريزة و أوثقهم عقيدة بعدى و هو الأكبر من ولدى، إليه تنتهي عرى الإمامة و أحكامها، فما كنت سائلا عنه فسله، فعنده علم ما يحتاج إليه؛ و الحمد لله» (مسعودی، ۱۴۲۶ق: ۲۴۵؛ کلینی، ۱۳۶۵ش، ج ۱، ح ۱۱: ۳۲۷؛ بحرانی، ۱۴۱۱ق، ج ۵، ح ۱۱: ۱۲۹؛ حرعاملی، ۱۴۲۵ق، ج ۳، ح ۹: ۳۹۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ح ۱۷۶: ۸۷۶؛ مفید، ۱۴۱۳ق: ۳۳۷؛ طبرسی، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ۱۳۵؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۵۰، ح ۱۹: ۲۴۵؛ اربلی، ۱۳۸۱ق، ج ۲: ۴۰۶؛ خزعلی، ۱۴۲۶ق، ج ۳: ۱۰۳).

شاهویه بن عبدالله الجلاب نیز می‌گوید از امام هادی (ع) سخنانی در خصوص فرزندش جعفر شنیده بودم؛ لکن پس از وفات وی، در امر جانشینی آن بزرگوار متعجب و حیران شدم؛ پس نامه‌ای به امام نوشته و در آن از ایشان، برای رفع گرفتاری‌ها طلب دعا کردم. امام در پاسخ نامه به وی چنین نگاشت: «أردت أن تسأل عن

الخلف بعد مضي أبي جعفر و قلت لذلك فلا نعلم فإن الله لا يضل قوماً بعد إذ هداهم حتى يبين لهم ما يتقون صاحبكم بعدى أبو محمد ابني و عنده ما تحتاجون إليه يقدم الله ما يشاء و يؤخر ما يشاء» (سوره بقره، ۱۰۶) «قد كتبت بما فيه بيان و فإع لذي عقل يقظان» (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ح ۵: ۱۲۱؛ حرعاملی، ۱۴۲۵ق، ج ۳، ح ۲۲: ۳۹۵ و ح ۱۹: ۳۶۵؛ مفید، ۱۴۱۳ق، ح ۲۰: ۳۳۷؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۵۰، ح ۱۱: ۲۴۲؛ کلینی، ۱۳۶۵ش، ج ۱، ح ۱۲: ۳۲۸؛ حرعاملی، ۱۴۲۵ق، ج ۳، ح ۱۰: ۳۹۲؛ بحرانی، ۱۴۱۱ق، ج ۵، ح ۱۲: ۱۲۹؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ح ۸۷۷: ۳۸۹؛ طبرسی، ۱۴۱۷ق: ۱۲ ح ۱۲: ۱۳۵؛ مسعودی، ۱۴۲۶ق: ۳/۲۴۶؛ بحرانی، ۱۴۱۳ق: ۱۷ ح ۲۴۹۴: ۵۰۲؛ اربلی، ۱۳۸۱ق: ۲ ح ۱۵: ۴۰۶؛ خزعلی، ۱۴۲۶ق: ۳/۱۵۶).

آموزش تقیه از دشمنان

چنان‌که در ابتدای مقاله، درباره وضعیت حاکم بر جامعه عصر ائمه اطهار (ع)، به خصوص پس از شهادت امام رضا (ع) و امام جواد (ع)، گفته شد وضعیت جامعه به گونه‌ای بود که علویان و شیعیان، آزادی بیان و امکان فعالیت‌های اجتماعی و علنی را نداشتند. آنان مجبور بودند در خفا و با رعایت جوانب احتیاط، به ترویج عقاید خود بپردازند. در چنین وضعیتی، ائمه اطهار (ع) مسئله تقیه را به عنوان راهکاری، برای حفظ هویت و موجودیت شیعه در جامعه مطرح کردند و تلاش‌هایی نیز، در راستای تثویز کردن آن در میان شیعیان صورت گرفت.

از جمله این تلاش‌ها که در مواقعی، ابتدا به ساکن از جانب ائمه اطهار (ع) شکل می‌گرفت نام‌گذاری افراد، به عناوین و القابی است که تا پیش از آن وجود نداشت.

مخفی بودن از انظار عمومی مردم، تلاش برای ترویج مکاتبه با امام به جای مشاهده حضوری، نگارش نامه به اکثر بلاد مسلمین، تأکید بر اصالت نامه‌های ارسالی، به کارگیری علم غیب در پاسخ به سوالات مردم، پاسخ به سوالات ذهنی افراد و مواردی از این دست، تنها نمونه‌هایی از این شیوه‌ها و راه کارها می‌باشند.

در این خصوص نیز آیوب بن نوح نقل می‌کند که در نامه ای گزارشی از احوال شیعیان و سختی‌ها و فشارهایی که بر آنان روا شده است را خدمت امام هادی (ع) بیان کردم و آن حضرت در پاسخ فرمودند: «إِذَا رُفِعَ عِلْمُكُمْ مِنْ بَيْنِ أَظْهَرِكُمْ فَتَوَقَّعُوا الْفَرَجَ مِنْ تَحْتِ أَفْدَامِكُمْ» که در آن امام، همگان را به انتظار فرج دعوت می‌کنند (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ۳۸۱، ح ۴؛ حرعاملی، ۱۴۲۵ق، ج ۳، ص ۴۷۹، ح ۱۷۸؛ کلینی، ۱۳۶۵ش، ج ۱، ص ۳۴۱، ح ۲۴؛ نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص ۱۸۷، ح ۳۹؛ خزعلی، ۱۴۲۶ق، ج ۳، ص ۱۳۲).

علّامه مجلسی در ذیل این حدیث در کتاب شریف بحارالانوار می‌نویسند: منظور از عبارت «عَلْمُكُمْ» کسی است که عالم به راه حق و باطل باشد و آن امام معصوم (ع) است. (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۵۱، ص ۱۵۹، ۴)

پاسخ‌گویی به مسائل شیعیان

در مکاتبات صورت‌گرفته میان شیعیان با امام هادی (ع)، سوالات متعددی از ایشان درباره موضوعات مختلف که اکثراً فقهی و اعتقادی هستند، پرسیده شده است. همان‌گونه که در نمودار نظام حاکم، بر مکاتبات امام هادی (ع) نیز نشان داده شد، این پاسخ‌گویی را می‌توان در دو حوزه تفکیک کرد:

همین امر باعث سردرگمی و حیران دشمنان، در تشخیص شیعیان می‌شد. به عنوان نمونه ابوغالب الزراری نقل می‌کند اولین کسی که جد ایشان، یعنی سلیمان بن الحسن بن الجهم بن بکیر بن أعین را به لقب «زراری» ملقب کرد ابوالحسن علی بن محمد، صاحب‌العسکر، بود که برای توریه و تقیه و حفظ جان وی، او را بدین نام ملقب کرد (ابوغالب زراری، ۱۳۶۹: ۳۲؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۱/ ۲۸۰؛ خزعلی، ۱۴۲۶: ۳/ ۱۵۳).

همچنین علی بن مهزیار نیز، در نامه‌ای از امام می‌پرسد: آیا می‌توان به برخی از احکام فرقه‌های مخالف مادامی که اصل احکامشان را از ما (شیعیان) گرفته‌اند و مجبور هستیم، عمل کنیم؟ «سَأَلْتُهُ هَلْ نَأْخُذُ فِي أَحْكَامِ الْمُخَالَفِينَ مَا يَأْخُذُونَ مِنَّا فِي أَحْكَامِهِمْ» امام در پاسخ می‌نویسد: «يَجُوزُ لَكُمْ ذَلِكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ إِذَا كَانَ مَذْهَبُكُمْ فِيهِ التَّيَيُّهُ مِنْهُمْ وَالْمُدَارَاةُ لَهُمْ» (ابن بابویه، ۱۳۶۵ش، ج ۶، ح ۵۳۵: ۲۲۴؛ حرعاملی، ۱۳۹۱ق، ج ۲۷، ح ۳۳۶۵۲: ۲۲۶؛ خزعلی، ۱۴۲۶ق، ج ۳: ۱۷۸).

معرفی حضرت مهدی (عج) و تأکید بر انتظار فرج

نکته دیگر در این بخش، تلاش امام برای معرفی جانشین بعد از خود و معرفی حضرت مهدی (عج) به عنوان امامی که در نهایت ظهور کرده و با قیام خود عدالت را برقرار خواهد کرد، است. این مطلب که در حقیقت یکی از مهمترین و پر کاربردترین موضوعات فرعی مطرح شده در تمامی مکاتبات امام است، به وضوح و حتی با تأکید بر نام مبارک ایشان مشاهده می‌شود.

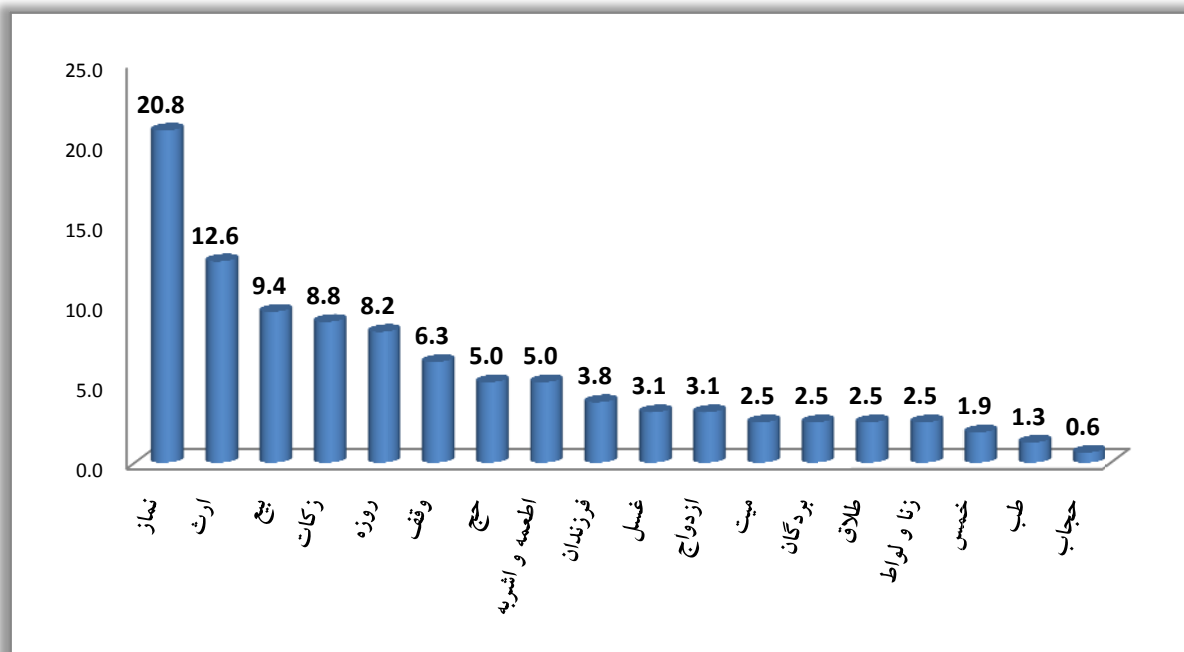
این مطلب زمانی اهمیت خاص خود را پیدا می‌کند که توجه داشته باشیم امام هادی (ع) برای ابلاغ این مطلب، از راهکارهای متعددی استفاده کرده‌اند که تعیین و کلاء،

پاسخ‌گویی به موضوعات فقهی

بالاترین فراوانی در بخش پاسخ‌گویی به مسائل شیعیان، به سوالات فقهی اختصاص دارد؛ یعنی در حدود ۱۵۹ نامه، از مجموع ۲۶۲ نامه، به این مسئله مربوط است که نشان می‌دهد این‌گونه سوالات، برای مردم جامعه آن

زمان اهمیت فراوانی داشته است و امام (ع) نیز، به تفصیل بدان‌ها پاسخ داده‌اند. در زیر، موضوعات فقهی مندرج در این مکاتبات احصاء و فراوانی آن‌ها سنجیده شده است که نمودار سنجش آن به این شرح است:

نمودار ۴. سنجش فراوانی موضوعات فقهی مکاتبات



با اهل سنت و عامه مربوط می‌شود. مثلاً ابراهیم بن عقبه در خصوص نماز خواندن، با لباس‌هایی که از پوست و موی خرگوش تهیه شده‌اند سوال می‌کند: «عِنْدَنَا جَوَارِبُ وَ تِكْكَ تُعْمَلُ مِنْ وَبَرِ الْأَرَانِبِ فَهَلْ تَجُوزُ الصَّلَاةُ فِي وَبَرِ الْأَرَانِبِ مِنْ غَيْرِ ضَرُورَةٍ وَ لَا تَقِيَّةٍ؟» و امام هادی (ع) در پاسخ وی می‌فرماید: «لَا تَجُوزُ الصَّلَاةُ فِيهَا» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۳، ح ۹: ۳۹۹؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۷، ح ۶۲۰۰: ۴۰۵؛ ابن بابویه، ۱۳۶۵، ج ۲، ح ۸۰۶: ۲۰۶؛ حرعاملی، ۱۳۹۱، ج ۴، ح ۵۳۷۷: ۳۵۶ و ح ۵۴۴۱، ۳۷۷؛ خزعلی، ۱۴۲۶، ج ۳: ۹۲).

بر مبنای نمودار فوق، می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که بیشترین موضوعات پرسشی جامعه عصر امام هادی (ع) چه نوع موضوعاتی بوده و در آن زمان، چه مسائلی برای مردم مطرح بوده است. همچنین، دسته‌بندی نوع سوالات مطرح شده در هر خصوص نیز، می‌تواند گذاره‌های جدیدی به روی محققان و پژوهشگران باز کند.

به عنوان مثال، بیشترین فراوانی در سوالات مطرح شده درباره نماز، به پرسش‌هایی در رابطه با لباس نمازگزار، کیفیت وضو، به خصوص مسح علی‌القدمین، نماز همراه

تبیین مبانی احکام

در بخش تبیین مبانی احکام، تلاش امام هادی (ع) بر این بوده است که دو اقدام مهم و اساسی در این زمینه انجام دهند. ایسن دو اقدام عبارت‌اند از:

الف. تصحیح اعتقادات در خصوص اصول دین؛

ب. تبیین ملاک‌های کشف احکام؛

این تفکیک و دسته‌بندی، محصول تجزیه و تحلیل مجموع مکاتبات بود. در حقیقت ملاک نام‌گذاری و تقسیم در تمامی این مقاله، نتایجی است که بر مبنای جداول تحلیل محتوا استخراج شده است. در این بخش نیز، آنچه از مجموع مکاتبات استخراج شده بیانگر آن است که امام مباحث خود را در دو حوزه کلی بیان کرده‌اند.

در بخش تصحیح اعتقادات، تلاش امام هادی (ع) بر آن بوده است که مباحث مربوط به اصول دین مانند توحید، نبوت، امامت، عدالت و معاد را به‌طور کامل، برای مردم جامعه خود تشریح و تبیین کنند. به عنوان مثال، ابراهیم بن محمد الهمدانی نامه‌ای به امام نوشته و در آن، اختلاف نظر مردم درباره توحید را به اطلاع امام رسانده و نظر امام را جویا شده است. نگاشته وی چنین است: «أَنَّ مَنْ قَبَلْنَا مِنْ مَوَالِيكَ قَدْ اخْتَلَفُوا فِي التَّوْحِيدِ فَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ جِسْمٌ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ صُورَةٌ». پاسخ امام نیز بدین شرح است: «سُبْحَانَ مَنْ لَا يُحَدُّ وَلَا يُوصَفُ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ح ۱۷: ۲۹۴؛ کلینی، ۱۳۶۵ش، ج ۱، ح ۵: ۱۰۲؛ خزعلی، ۱۴۲۶ق، ج ۳: ۹۷).

محمد بن عیسی بن عبید البقطنی نیز، چنین پرسشی را درباره توحید مطرح می‌کند: «جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ يَا سَيِّدِي قَدْ رَوَى لَنَا أَنَّ اللَّهَ فِي مَوْضِعٍ دُونَ مَوْضِعِ عَلِيٍّ الْعَرَشِ اسْتَوَى وَ أَنَّهُ يَنْزِلُ كُلَّ لَيْلَةٍ فِي النُّصْفِ الْأَخِيرِ مِنَ اللَّيْلِ إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا وَ رَوَى أَنَّهُ يَنْزِلُ عَشِيَّةَ عَرَفَةَ ثُمَّ

همچنین، محمد بن الفرخ الرخجی نیز از آن حضرت درباره اوقات نماز پرسش می‌کند که حضرت در پاسخ وی، به‌طور دقیق اوقات هر کدام از نمازهای واجب را بیان می‌کنند و می‌فرمایند: «إِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ فَصَلِّ سُبْحَتَكَ وَ أَحِبُّ أَنْ يَكُونَ قَرَأُكَ مِنَ الْفَرِيضَةِ وَ الشَّمْسُ عَلَى قَدَمَيْنِ ثُمَّ صَلِّ سُبْحَتَكَ وَ أَحِبُّ أَنْ يَكُونَ قَرَأُكَ مِنَ الْعَصْرِ وَ الشَّمْسُ عَلَى أَرْبَعَةِ أَقْدَامٍ فَإِنْ عَجَلَ بِكَ أَمْرٌ فَأَبْدَأْ بِالْفَرِيضَتَيْنِ وَ أَقْضِ النَّافِلَةَ بَعْدَهُمَا فَإِذَا طَلَعَ الْفَجْرُ فَصَلِّ الْفَرِيضَةَ ثُمَّ أَقْضِ بَعْدَ مَا شِئْتَ» (طوسی، ۱۳۶۵ش، ج ۲: ۳۶۳؛ ابن بابویه، ۱۳۶۵ش، ج ۲، ح ۲۸: ۲۵۰؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۷، ح ۵۸۱۶: ۲۳۱؛ خزعلی، ۱۴۲۶ق، ج ۳: ۲۲۴).

درباره مسائل ارث و وصیت نیز، سوالات متعددی در آن زمان مطرح بوده است. به عنوان نمونه، حسین بن مالک القمّی چنین پرسشی را از امام هادی (ع) مطرح می‌کند: «أَنَّ ابْنَ أَخِي لِي تُوُفِّيَ فَأَوْصَى لِسَيِّدِي بِضَيْعَةٍ وَ أَوْصَى أَنْ يُدْفَعَ كُلُّ شَيْءٍ فِي دَارِهِ حَتَّى الْأَوْتَادِ تَبَاعٌ وَ يُجْعَلَ الثَّمَنُ إِلَى سَيِّدِي وَ أَوْصَى بِحَجٍّ وَ أَوْصَى لِلْفُقَرَاءِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ أَوْصَى لِعَمَّتِهِ وَ أُخْتِهِ بِمَالٍ فَظَنَرْتُ فَإِذَا مَا أَوْصَى بِهِ أَكْثَرَ مِنَ الثُّلُثِ وَ لَعَلَّهُ يُقَارِبُ النُّصْفَ مِمَّا تَرَكَ وَ خَلَّفَ ابْنًا لَهُ ثَلَاثُ سِنِينَ وَ تَرَكَ دَيْنًا فَرَأَى سَيِّدِي؟»

و امام در پاسخ به وی می‌نویسد: «يُقْتَصَرُ مِنْ وَصِيَّتِهِ عَلَى الثُّلُثِ مِنْ مَالِهِ وَ يُقْسَمُ ذَلِكَ بَيْنَ مَنْ أَوْصَى لَهُ عَلَى قَدْرِ سَهَامِهِمْ إِنْ شَاءَ اللَّهُ» (کلینی، ۱۳۶۵ش، ج ۷، ح ۱۲: ۵۹؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲۴، ح ۲۳۸۶۱: ۱۸۰؛ ابن بابویه، ۱۳۶۵ش، ج ۹، ح ۷۵۹: ۱۸۹؛ خزعلی، ۱۴۲۶ق، ج ۳: ۱۴۵).

۷، ح ۲: ۲۳۸؛ بحرانی، ۱۴۱۱ق، ج ۵، ح ۴: ۱۸؛ زرکشی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ح ۲: ۱۰۴؛ ابن بابویه، ۱۳۶۵ش، ج ۱۰، ح ۱۳۵: ۳۸؛ حرعاملی، ۱۳۹۱ق، ج ۲۸، ح ۳۴۴۲۰: ۱۴۱؛ خزعلی، ۱۴۲۶ق، ج ۳: ۱۹۷).

این پاسخ مستدل و مستند امام باعث شد متوکل دستور دهد آن مرد نصرانی را اعدام کنند.

حتی در مواقعی که افراد برای شفای بیماری‌های خود، از آن حضرت طلب دعا می‌کردند، امام ایشان را به قرآن ارجاع می‌دادند و می‌فرمودند: «كَشَفَ اللَّهُ ضُرَّكَ وَ دَفَعَ عَنكَ مَكَارَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ أَلْحَ عَلَيْهِ بِالْقُرْآنِ فَإِنَّهُ يَشْفِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى» (حموی، ۱۳۶۳: ۳۶۵؛ بسطام، ۱۴۱۱: ۱۴/۴۴۶؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۴۰۵/۹۲؛ خزعلی، ۱۴۲۶: ۱۴۷/۳).

داودبن فرقد الفارسی نیز در رابطه با کیفیت عمل، به روایات منقول از ایشان و پدران بزرگوارشان پرسش نموده است که امام در پاسخ می‌فرمایند: «مَا عَلِمْتُمْ أَنَّهُ قَوْلُنَا فَالزُّمُوهُ وَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَرُدُّوهُ إِلَيْنَا» (صفار، ۱۴۰۴: ۲۶/۵۴۴؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۲/۲۴۱؛ صدر، ۱۴۱۲: ۱۷/۳۰۵؛ خزعلی، ۱۴۲۶: ۱۵۰/۳).

همچنین، گفتنی است که در زمینه پاسخ‌گویی تبیین مسائل اعتقادی و ملاک‌های کشف احکام، رفتار کلی امام هادی(ع)، تلاش برای برائت از شبهه‌افکنان و تأویل‌کنندگان در دین و منحرفان بوده است. این رفتار کلی را می‌توان در پاسخ امام، به نامه‌های افرادی که در آن‌ها از برخی مدعیان دروغین و کذابان شکایت کرده یا درخصوص رفتار آن‌ها، از امام(ع) سوال کرده‌اند، مشاهده کرد. به عنوان مثال، در مواقعی مشاهده می‌شود که برخی افراد، در تفسیر احادیث یا آیات قرآن مطالبی گفته یا اقداماتی بر مبنایی غیر از مبنای شرع انجام داده‌اند؛ لذا مردم را در امر دین دچار شبهه و سوال کرده‌اند. در این میان، برخی افراد که امکان نگارش نامه برای امام(ع) داشته، دست به قلم شده و نامه‌ای برای

يَرْجِعُ إِلَى مَوْضِعِهِ فَقَالَ بَعْضُ مَوَالِيكَ فِي ذَلِكَ إِذَا كَانَ فِي مَوْضِعٍ دُونَ مَوْضِعٍ فَقَدْ يَلْقَاهِ الْهَوَاءُ وَ يَتَكَنَّفُ عَلَيْهِ وَ الْهَوَاءُ جِسْمٌ رَقِيقٌ يَتَكَنَّفُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ بِقَدْرِهِ فَكَيْفَ يَتَكَنَّفُ عَلَيْهِ جَلَّ تَنَازُؤُهُ عَلَى هَذَا الْمِثَالِ».

امام هادی(ع) در پاسخ به وی می‌فرمایند: «عَلِمْتُ ذَلِكَ عِنْدَهُ وَ هُوَ الْمُقَدَّرُ لَهُ بِمَا هُوَ أَحْسَنُ تَقْدِيرًا وَ اعْلَمُ أَنَّهُ إِذَا كَانَ فِي السَّمَاءِ الدُّنْيَا فَهُوَ كَمَا هُوَ عَلَى الْعَرْشِ وَ الْأَشْيَاءُ كُلِّهَا لَهُ سَوَاءٌ عِلْمًا وَ قُدْرَةً وَ مُلْكًا وَ إِحَاطَةً» (کلینی، ۱۳۶۵ش، ج ۱، ح ۴: ۱۲۶؛ حرعاملی، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ح ۱۷۶: ۲۱۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ح ۳۲۴: ۴۰۳؛ زرکشی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ح ۷: ۳۱؛ خزعلی، ۱۴۲۶ق، ج ۳: ۲۱۶).

در رابطه با تبیین ملاک‌های کشف احکام نیز، تلاش امام هادی(ع) بر آن بوده است که با ارجاع مردم به قرآن کریم و سپس، روایات ائمه اطهار(ع) به‌گونه دیگری، بر نقش ائمه در جامعه اسلامی تأکید کرده و این مهم را به همگان گوشزد کنند. در این قسمت نیز، به عنوان نمونه مکاتبات صورت گرفته مطرح می‌شود:

جعفر بن رزق الله نقل می‌کند که عالمان دربار متوکل، درباره مردی نصرانی که مرتکب کبیره شده و در هنگام اقامه حد بر او اسلام آورده است، اختلاف نظر پیدا کرده بودند. برخی از قاضیان معتقد بودند که ایمان او به واسطه عمل کبیره‌ای که انجام داده و در وضع حاضر، نفعی به حال او ندارد؛ اما برخی دیگر، معتقد بودند آن فرد باید بخشیده شود. به علت کثرت اختلاف نظرها، متوکل عباسی دستور داد که مواقع را خدمت امام هادی(ع) گزارش داده و نظر ایشان را جویا شوند. امام در پاسخ به ایشان چنین می‌نگارند: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، فَلَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا قَالُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَحَدَّةً وَ كَفَرْنَا بِمَا كُنَّا بِهِ مُشْرِكِينَ. فَلَمْ يَكُنْ يَنْفَعُهُمْ إِيمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا سُنَّتَ اللَّهُ الَّتِي قَدْ خَلَتْ فِي عِبَادِهِ وَ خَسِرَ هُنَالِكَ الْكَافِرُونَ» (سوره غافر، ۸۴ و ۸۵) (کلینی، ۱۳۶۵ش، ج

نگاشته‌اند و گویا هدف ایشان از این امر، نوعی آموزش دعا به همگان در خصوص مطلب مطرح شده است. به نظر می‌رسد یکی از کارکردهای مهم ارسال انبیاء و اولیاء الهی، آموزش چگونگی برقراری ارتباط با خداوند متعال، در خلال آموزش دعا به ایشان است. این مطلب به وضوح، در رفتار و سیره پیامبر مکرم اسلام (ص) و ائمه اطهار (ع) مشاهده می‌شود. امام هادی (ع) نیز این وظیفه را به نحو احسن انجام و ادعیه‌هایی را به مردم آموزش داده‌اند (ابن طاووس، ۱۴۱۱: ۶۳).

به عنوان نمونه، علی بن بصیر از آن حضرت طلب دعایی می‌کند که وی را از جمیع گناهان دنیوی محفوظ دارد و امام در پاسخ وی چنین می‌نگارند: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَ سَتَرَ الْقَبِيحَ وَ لَمْ يَهْتِكِ السُّتْرَ عَنِّي يَا كَرِيمَ الْعَفْوِ يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ يَا صَاحِبَ كُلِّ نَجْوَى وَ يَا مُنْتَهَى كُلِّ شَكْوَى يَا كَرِيمَ الصَّفْحِ يَا عَظِيمَ الْمَنِّ يَا مُبْتَدِئَ كُلِّ نِعْمَةٍ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا يَا رَبَّاهُ يَا سَيِّدَاهُ يَا مَوْلَاهُ يَا غِيَاثَاهُ صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَسْأَلُكَ أَنْ لَّا تَجْعَلَنِي فِي النَّارِ ثُمَّ تَسْأَلُ مَا بَدَا لَكَ» (کلینی، ۱۳۶۵ ش، ج ۲، ح ۴: ۵۷۸؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۸۴، ح ۱۵: ۸۰؛ خزعلی، ۱۴۲۶ق، ج ۳: ۱۶۱).

یسع بن حمزه القمّی نیز پس از آنکه مطلع شد معتصم، خلیفه عباسی، بر وی خشم گرفته و قصد جاننش را کرده است، نامه‌ای به امام نوشت و از ایشان طلب دعا و نجات از این وضعیت را کرد. امام هادی (ع) نیز در پاسخ به وی چنین نگاشته‌اند: «لَا رَوْعَ إِلَيْكَ وَ لَّا بَأْسَ فَادْعُ اللَّهَ بِهَذِهِ الْكَلِمَاتِ يُخَلِّصَكَ اللَّهُ وَ شَيْكَأً بِهِ مِمَّا وَقَعَتْ فِيهِ وَ يَجْعَلُ لَكَ فَرَجاً فَإِنَّ آلَ مُحَمَّدٍ يَدْعُونَ بِهَا عِنْدَ إِشْرَافِ الْبَلَاءِ وَ ظُهُورِ الْأَعْدَاءِ وَ عِنْدَ تَخَوُّفِ الْفَقْرِ وَ ضَيْقِ الصَّدْرِ». یسع بن حمزه در ادامه گزارش خود، برای راویان نقل می‌کند که پس از خواندن این دعا در هر

امام (ع) نوشته و شرح موقوف را بیان کرده‌اند. امام (ع) نیز در پاسخ، پس از برائت از این شبهه‌افکنان و تأویل‌کنندگان در دین، به بیان ویژگی‌های امام بر حق و تفسیر حقیقی آیات قرآن و احادیث ائمه اطهار (ع) پرداخته و مطالبی را در این خصوص بیان کرده‌اند که خود، تلاشی دیگر برای اثبات امامت ایشان و افزایش بصیرت و آگاهی مردم است.

به عنوان نمونه، از «أحمد بن محمد بن عیسی» نقل شده است که نامه‌ای برای امام (ع) نوشته و در آن، از کسانی که آیات قرآن و احادیث را بر مبنای نظر خود تفسیر می‌کنند و به امام هادی (ع) نسبت می‌دهند، شکایت و طلب تعیین تکلیف کرده است. امام (ع) در پاسخ وی تنها می‌فرماید: «لَيْسَ هَذَا دِينَنَا فَأَعْتَزِلْهُ» (کشی، ۱۳۴۸ق: ۵۱۶) و با همین بیان کوتاه، برائت خود را از شبهه‌افکنان و تأویل‌کنندگان در دین و منحرفان بیان می‌کند.

دعا برای شیعیان

دسته دیگری از مکاتبات امام هادی (ع)، نامه‌هایی است که از ایشان طلب دعا و فرج، برای گشایش امور فردی و اجتماعی کرده و از امام (ع) درخواست کرده‌اند تا آنان را مشمول رحمت خاصه خود قرار دهند. موضوعات خاصی که در این مکاتبات مطرح شده‌اند عبارت‌اند از: طلب دعا برای بهتر شدن وضعیت مالی زندگی، بچه‌دار شدن، ازدواج کردن، بازگشت اموالی که به دیگران قرض داده‌اند، طلب باران و فزونی محصولات کشاورزی و غیره.

در این میان، تحلیل پاسخ‌هایی که امام (ع) به این نامه‌ها داده‌اند نیز درخور توجه است. امام هادی (ع) در پاسخ به اکثر این نامه‌ها، به تفصیل دعایی خاص را برای آنان

صبح و شام، مدتی نگذشت مگر اینکه معتصم وی را فراموش کرد و دیگر خطری وی را تهدید نمی کرد.

۱. تبیین روش امام هادی (ع) در نامه نگاری

در این بخش، پس از ذکر نظام حاکم بر مکاتبات امام هادی (ع)، شایسته است به روش امام در پاسخ گویی به شیعیان و نامه نگاری نیز اشاره شود. این نکات حاصل یادداشت های نظری محقق، در حاشیه جداول تحلیل محتواست که به صورت ذیل تفکیک و دسته بندی شده است.

از جمله روش ها و شیوه های امام در پاسخ گویی به نامه ها، ذکر مجدد متن سوال در نامه خود برای جلوگیری از مفقود شدن سوال و پرهیز از هرگونه برداشت های نامتعارف و... از پاسخ امام است.

به عنوان مثال، حضرت در پاسخ به نامه ام علی که از آن حضرت در خصوص حجاب نداشتن زنان، در مقابل خادمان و غلامان خود پرسش کرده است، مجدداً متن سوال وی را تکرار و بدین نحو مرقوم می فرمایند که: «سَأَلْتِ عَنِ كَشْفِ الرَّأْسِ بَيْنَ يَدَيِ الْخَادِمِ. لَأُتَكَشِّفِي رَأْسَكَ بَيْنَ يَدَيْهِ فَإِنَّ ذَلِكَ مَكْرُوهٌ» (ابن بابویه، ۱۳۶۵ ش، ج ۷، ح ۱۸۲۸: ۴۵۷؛ حرعاملی، ۱۳۹۱ ق، ج ۲۰، ح ۲۵۴۸۲: ۲۲۴؛ خزعلی، ۱۴۲۶ ق، ج ۳: ۱۲۶).

این در حالی است که امام می توانستند با یک عبارت ساده و کوتاه، پاسخ وی را بیان کنند؛ اما برای پرهیز از هرگونه اختلاف نظر، در نسل های آتی در رابطه با پاسخ امام، این روش را برگزیدند. این روش در اکثر مکتوبات اجرا شده است.

از دیگر روش های امام، در نوع نامه نگاری، بیان دقیق و مفصل پاسخ به سوال پرسش کننده بود؛ به گونه ای که دیگر افراد و گروه ها نیز که در بلاد مختلف زندگی می کردند و مسائلی شبیه به آن موضوع، برایشان مطرح

بود بتوانند پاسخ پرسش خود را پیدا کنند. به عنوان نمونه، آن حضرت در پاسخ سوال جعفر بن ابراهیم بن محمد الهمدانی، در رابطه با تعیین وزن و مقدار زکات فطره در بلاد مختلف اسلامی می فرمایند: «الصَّاعُ سِتَّةُ أَرْطَالٍ بِالْمَدَنِيِِّّ وَتِسْعَةُ أَرْطَالٍ بِالْعِرَاقِيِّ قَالَ وَ أَخْبَرَنِي أَنَّهُ يَكُونُ بِالْوَزْنِ الْفَأَوْ مَائَةً وَ سَبْعِينَ وَرَتْنَةً» (کلینی، ۱۳۶۵ ش، ج ۴، ح ۹: ۱۷۲؛ مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۷۷، ح ۲: ۳۴۸؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۱، ح ۷۳: ۳۰۹؛ ابن بابویه، ۱۳۶۵ ش، ج ۴، ح ۲۴۳: ۸۳ و ح ۱۰۵۱: ۳۳۴؛ حرعاملی، ۱۳۹۱ ق، ج ۹، ح ۱۲۱۷۹: ۳۴۰؛ خزعلی، ۱۴۲۶ ق، ج ۳: ۱۳۶).

همچنین، در پاسخ نامه سلیمان بن حفص درباره تعیین میزان ارث برای ورثه چنین می نویسند: «إِنَّ كَانَ لَهُ عَلَى الْمَيِّتِ مَالٌ وَ لَا بَيِّنَةٌ لَهُ عَلَيْهِ فَلْيَأْخُذْ مَالَهُ مِمَّا فِي يَدِهِ وَ لِيُرِدْ الْبَاقِيَ عَلَى وَرَثَتِهِ وَ مَتَى أَقْرَبَ بِمَا عِنْدَهُ أُخِذَ بِهِ وَ طُولِبَ بِالْبَيِّنَةِ عَلَى دَعْوَاهُ وَ أَوْفَى حَقَّهُ بَعْدَ الْيَمِينِ وَ مَتَى لَمْ يَقُمْ الْبَيِّنَةُ وَ الْوَرَثَةُ مُنْكَرُونَ فَلَهُ عَلَيْهِمْ يَمِينٌ عِلْمٍ يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ مَا يَعْلَمُونَ أَنَّ لَهُ عَلَى مَيِّتِهِمْ حَقًّا» (ابن بابویه، ۱۳۶۵ ش، ج ۷، ح ۷۸۴: ۱۷۸؛ حرعاملی، ۱۳۹۱ ق، ج ۱۸، ح ۲۳۹۳۹: ۴۰۵ و ح ۲۳۹۴۰: ۴۰۶؛ خزعلی، ۱۴۲۶ ق، ج ۳: ۱۵۴).

از دیگر ویژگی های امام هادی (ع) در پاسخ گویی به نامه ها، ثبت زمان و تاریخ دقیق نگارش نامه است. این امر را هم آن امام همام رعایت کرده و هم، در بین شیعیان و موالیان حضرت رواج داشته است. به عنوان نمونه، حضرت در نامه ای خطاب به علی بن عمر القزوينی در خصوص اعتقادات و جایگاه فارس بن حاتم بن ماهویه القزوينی، یکی از دشمنان اهل بیت (ع)، چنین می نگارند: «اعْتَقِدْ فِيمَا تَدِينُ اللَّهُ تَعَالَى بِهِ أَنَّ الْبَاطِنَ عِنْدِي حَسَبَ مَا أَظْهَرْتُ لَكَ فِيمَنْ اسْتَنْبَأَتْ عَنْهُ وَ هُوَ فَارِسٌ لَعَنَهُ اللَّهُ فَإِنَّهُ لَيْسَ يَسْعُكَ إِلَّا الْجَاهِلُ فِي لَعْنِهِ وَ قَصْدُهُ وَ مُعَادَاتُهُ وَ الْمُبَالِغَةُ فِي ذَلِكَ

شده است که تبیین چرایی آن، نیازمند شناسایی شخصیت پرسش‌کننده و شناخت نوع سوال و وضعیت جامعه آن عصر است. این مرحله فراتر از تحلیل محتواست و تحلیل گفتمان را طلب می‌کند. به عنوان نمونه، حضرت در پاسخ به سوال ایوب بن نوح درباره حیوانی به نام «جاموس» (گاومیش) می‌نویسد: «هو کما قال لک». (عیاشی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ح ۱۱۵: ۳۸۰؛ خزعلی، ۱۴۲۶ق، ج ۳: ۱۲۹).

به نظر می‌رسد درباره وضعیت این حیوان و احکام آن، مسائلی وجود داشته است که امام (ع) صلاح دانسته‌اند در آن موقعیت پاسخی مبهم بیان کنند.

همچنین از دیگر شیوه‌های امام، انتخاب عناوین و القابی خاص برای برخی از شیعیان است تا دشمن در شناسایی آن‌ها دچار اشتباه شود. به عنوان مثال، ابوغالب الزراری نقل می‌کند اولین کسی که جد ایشان، یعنی سلیمان بن الحسن بن الجهم بن بکیر بن أعین را به لقب «زراری» خوانده است ابوالحسن علی بن محمد، صاحب العسکر است که برای توریه و تقیه و حفظ جان وی، او را بدین نام ملقب کرده است (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۱، ح ۲۳: ۲۸۰؛ خزعلی، ۱۴۲۶ق، ج ۳: ۱۵۳). از دیگر شیوه‌های ایشان، در نگارش نامه، پاسخ‌گویی به سوالات دشمنان و معاندان و دستور به رونوشت کردن آن و ارسال آن، از طرف شیعیان بوده است. این شیوه در حقیقت، در راستای روش فوق، یعنی تقیه از دشمنان و تلاش برای حفظ جان شیعیان بوده است.

به عنوان مثال، یحیی بن اکثم نامه‌ای برای موسی بن محمد بن علی بن موسی نگاشت و پرسش‌هایی را در رابطه با برخی آیات متشابه قرآنی و مسائل فقهی مطرح کرد. موسی به نزد امام هادی (ع) رفت و از ایشان کمک طلبید. حضرت پس از استماع سوالات یحیی بن اکثم، به موسی دستور دادند که چنین بنویسد: «اكتب: بِسْمِ اللّٰهِ

بِأَكْثَرِ مَا تَجِدُ السَّبِيلَ إِلَيْهِ مَا كُنْتُ أَمْرُ أَنْ يُدَانَ اللَّهُ بِأَمْرِ غَيْرِ صَاحِبِهِ فَجِدَّ وَ شُدَّ فِي لَعْنِهِ وَ هَتَكَهُ وَ قَطَعَ أَسْبَابَهُ وَ صَدَّ أَصْحَابَنَا عَنْهُ وَ إِبْطَالَ أَمْرِهِ وَ أْبْلَغَهُمْ ذَلِكَ مِنِّي وَ أَحْكِهِ لَهُمْ عَنِّي وَ إِنِّي سَأَلْتُكُمْ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عَن هَذَا الْأَمْرِ الْمُؤَكَّدِ فَوَيْلٌ لِلْعَاصِي وَ لِلْجَاحِدِ وَ كَتَبْتُ بِخَطِّي لَيْلَةَ الثَّلَاثَاءِ لِتَسْعَ لَيْالٍ مِنْ شَهْرِ رَبِيعِ الْأَوَّلِ سَنَةِ خَمْسِينَ وَ مِائَتَيْنِ وَ أَنَا تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ وَ أَحْمَدُهُ كَثِيرًا» (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ح ۱۵: ۲۱۳؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۵۰، ح ۸: ۲۲۱؛ خزعلی، ۱۴۲۶ق، ج ۳: ۱۷۷).

همچنین، این امر در بین شیعیان نیز رواج یافته بود. ابوعمر و الکشی در کتاب رجال خود، نقل می‌کند که: «وَ كَتَبَ إِبْرَاهِيمُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْهَمْدَانِيُّ مَعَ جَعْفَرِ ابْنِهِ فِي سَنَةِ ثَمَانَ وَ أَرْبَعِينَ وَ مِائَتَيْنِ يَسْأَلُ عَنِ الْعَلِيلِ وَ عَنِ الْقَزْوِينِيِّ...» (کشی، ۱۳۴۸ش: ۵۲۷، رقم ۱۰۰۹؛ خزعلی، ۱۴۲۶ق، ج ۳: ۱۰۲).

سیدابن طاوس نیز در هنگام نقل روایات چنین می‌نویسد: «رَوَيْتَاهَا بِإِسْنَادِنَا إِلَى جَدِّي أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الطُّوسِيِّ... حَدَّثَنِي الشَّيْخُ الصَّالِحُ أَبُو مَنْصُورِ بْنِ عَبْدِ الْمُنْعِمِ بْنِ النُّعْمَانِ الْبَغْدَادِيِّ رَحِمَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ قَالَ خَرَجَ مِنَ النَّاحِيَةِ سَنَةَ اثْنَتَيْنِ وَ خَمْسِينَ وَ مِائَتَيْنِ عَلَى يَدِ الشَّيْخِ مُحَمَّدِ بْنِ غَالِبِ الْأَصْفَهَانِيِّ حِينَ وَفَاةِ أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ وَ كُنْتُ حَدِيثَ السَّن...» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۹۸، ح ۱۱: ۲۷۴؛ خزعلی، ۱۴۲۶ق، ج ۳: ۱۰۷).

از دیگر شیوه‌های امام هادی (ع)، در نگارش نامه‌ها، رعایت تقیه و پرهیز از دشمنان و مخالفان کینه‌توز بود. آن امام همام برای جلوگیری از هرگونه سوءاستفاده و همچنین، حفظ جان شیعیان و موالیان خاص خود، شیوه‌هایی را برای تقیه ابداع کرده بودند و تلاش می‌کردند مخالفان را در این امر حیران کنند.

به عنوان نمونه، عادت مألوف امام بر پاسخ‌گویی کامل و مفصل به مکاتبات بود؛ اما در مواقعی شاهد آن هستیم که پاسخ نامه، به صورت ناقص و مبهم بیان

يُغْرِضُوا عَنْهُ لِأَنَّهُ كَانَ لَقَبَ الْخَلِيفَةِ يَوْمَئِذٍ» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۵: ۱۱۴).

اسم امام علی بود و ایشان دارای لقب‌هایی بدین شرح بودند: ناصح، متوکل، مفتاح، نقی و مرتضی. مشهورترین لقب ایشان متوکل بود که امام این لقب را مخفی کرده و به اصحاب خود، سفارش می‌کرد از این لقب حرفی نزنند؛ زیرا خلیفه وقت نیز همین لقب را داشت.

طبرسی نیز القاب النقی، العالم، الفقیه، الامین، الطیب و أبو الحسن الثالث را برای آن حضرت ذکر کرده است (طبرسی، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ۱۰۹).

البته بسیار شایسته است که در رابطه با وجه تسمیه هر یک از این القاب و عناوین، در آن دوران و چگونگی شهرت پیدا کردن امام به آن‌ها، مطالعات دقیقی صورت بگیرد و در این خصوص مقالاتی نگاشته شود. این امر در گنجایش این مقاله نبود و ان شاء الله در پژوهش‌های آتی، بررسی خواهند شد.

نتیجه

کلمات گهربار ائمه اطهار(ع)، پس از قرآن کریم، گرانقدرترین میراث دین مبین اسلام و دستورالعملی برای سعادت این جهانی و سعادت آن جهانی است. این محتوای غنی و هویت‌بخش، قابلیت آن را دارد که در حوزه‌های مختلف علوم بشری استفاده و به عنوان مبنایی برای مطالعات بنیادین و کاربردی در نظر گرفته شود.

ویژگی خاص و مهم این مقاله در این بوده که برخلاف کتب تاریخی یا شرح حال‌نگاری که تنها از کلمات ائمه اطهار(ع)، برای استنادات تاریخی خود استفاده می‌کنند، در پی این بود تا از رویکرد تاریخی چشم‌پوشی کند و صرفاً به تحلیل محتوای آنچه امام هادی(ع) در

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. وَ أَنْتَ فَالْتَهَمَكَ اللَّهُ الرُّشْدَ الْقَانِي كِتَابَكَ بِمَا امْتَحَنَتْنَا بِهِ مِنْ تَعْتِيكَ لِتَجِدَ إِلَى الطَّعْنِ سَبِيلًا قَصْرُنَا فِيهَا وَاللَّهُ يُكَافِئُكَ عَلَى نَيْتِكَ وَقَدْ شَرَحْنَا مَسَائِلَكَ فَأَصْنَعْ إِلَيْهَا سَمْعَكَ وَ دَلِّلْ لَهَا فَهَمَكَ وَ اشْتَغِلْ بِهَا قَلْبَكَ فَقَدْ أَلَزَمْتُكَ الْحُجَّةَ وَ السَّلَامُ سَأَلْتَ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِي كِتَابِهِ قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ فَهُوَ أَصْفُ بْنُ بَرْخِيَاءَ... وَقَدْ أَنْبَأْتُكَ بِجَمِيعِ مَا سَأَلْتَنَا فَاعْلَمْ ذَلِكَ يُوَلِّي اللَّهُ حِفْظَكَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ». (مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۸: ۹۱؛ زرکشی، ۱۴۱۵ق، ج ۴: ۷؛ ۱۳۰ و ج ۲، ح ۱۲: ۲۷۰ و ج ۴، ح ۶: ۱۲۹؛ طوسی، ۱۴۱۱ق، ح ۱۰: ۱۲۴؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۴، ح ۱: ۱۷۴؛ خزعلی، ۱۴۲۶ق، ج ۳: ۲۳۹).

۱. القاب امام هادی(ع) در مکاتبات

از دیگر یافته‌های این تحقیق، آن است که در طول بررسی محتوای مکاتبات امام هادی(ع) می‌توان با القاب و عناوینی آشنا شد که به واسطه آن، امام هادی(ع) را خطاب کرده‌اند. این القاب در حقیقت بیانگر آن هستند که در دوران امامت امام هادی(ع)، آن حضرت را با این عناوین در جامعه اسلامی خطاب می‌کردند و حضرت، این‌گونه به دیگران شناخته می‌شدند. این عناوین و القاب عبارت‌اند از: الرجل، الفقیه، الطیب، ابی الحسن الثالث، الشیخ، الماضی و صاحب‌العسکر.

البته در کتب تاریخی و روایی، القاب دیگری را نیز برای آن حضرت برشمرده‌اند. چنان‌که علامه مجلسی در این رابطه می‌نویسد: «وَأَمَّا اسْمُهُ فَعَلِيٌّ وَأَمَّا الْقَابَةُ فَالْناصِحُ وَ الْمُتَوَكِّلُ وَ الْمُفْتاحُ وَ النَّقِيُّ وَ الْمُمرْتَضَى وَ أَشهرُهَا الْمُتَوَكِّلُ وَ كَانَ يُخْفِي ذَلِكَ وَ يَأْمُرُ أَصْحَابَهُ أَنْ

ایشان برای معرفی خود، به عنوان امام بر حق جامعه اسلامی، به اذن الهی از قدرت علم غیب استفاده کرده‌اند. استفاده از این قدرت، در راستای افزایش آگاهی مردم به این موضوع که امام معصوم(ع)، از تمامی احوال ذهنی و قلبی افراد جامعه بشری آگاه است و حتی، خطورات ذهنی آنان را نیز می‌داند. این راهکار به منظور تشخیص امام و اثبات امامت او، در سطح عموم افراد جامعه، کاربرد داشته و از جمله ویژگی‌های خاص ائمه اطهار(ع) بوده که در مکاتبات امام بدان اشاره شده است.

ثانیاً مسئله مهم دیگر برای امام هادی(ع) تلاش برای پاسخ‌گویی به مسائل شیعیان بوده که در مکاتبات ایشان تجلی پیدا کرده است. ایشان در این زمینه، هم به تبیین مبانی احکام اسلامی پرداخته و هم به مسائل فقهی و مورد ابتلاء ایشان پاسخ داده‌اند. درباره تبیین مبانی احکام نیز، تلاش امام بر آن بوده تا با تبیین ملاک‌های کشف احکام که قرآن و سنت رسول اکرم(ص) و ائمه اطهار(ع) است، این امر را محقق سازند. در کنار این، امام(ع) همچنین تلاش می‌کرد اعتقادات موجود، درباره اصول دین را تصحیح کند.

ثالثاً بخش سوم مکاتبات ایشان، در رابطه با آموزش دعا به شیعیان و دعا برای رفع فقر و گرفتاری ایشان است. در این زمینه نیز، مشاهده می‌شود بیشترین تلاش ایشان، یادآوری جایگاه حقیقی اهل بیت(ع) به عنوان ارکان اصلی جامعه اسلامی، برای تحقق اهداف والای دین اسلام و اقامه قسط و عدل در جامعه است.

مکاتبات خود، به مردم جامعه بیان فرموده‌اند، بپردازد؛ سپس از خلال آن، دیدگاه‌ها و مبانی ایشان را درباره مسائل مهم استخراج کند.

همچنین از آنجاکه این کلمات، نوشته‌های فردی عادی نبوده و امام معصوم(ع) بیان کرده است، می‌توان از تحلیل محتوای آن‌ها به مبانی و اصولی دست یافت که راهگشای حاکمان و حکومت اسلامی، در برخورد با حوادثی مشابه باشد. چراکه کلام معصوم(ع)، در واقع تبیین‌کننده سنت رسول اکرم(ص) و تفسیر آیات قرآن کریم است.

در کتب و منابع تاریخی، در حدود ۲۶۲ نامه از امام هادی(ع) نقل شده است که می‌توان آن‌ها را به دو دسته تقسیم کرد: نامه‌هایی که برای افراد خاص نوشته شده است؛ نامه‌هایی که برای گروه‌ها و افراد عام نگاشته شده است. تحلیل محتوای این مکاتبات نشان می‌دهد:

اولاً مهم‌ترین موضوعی که برای آن امام همام مطرح بوده، تبیین جایگاه امامت و ولایت و ویژگی‌های امام معصوم(ع)، در جامعه اسلامی بوده است. این هدف به منظور افزایش آگاهی و بصیرت جامعه، در راستای اتخاذ راه حق و پرهیز از پیروی کردن از فرق منحرف و همچنین، معرفی امام حسن عسگری(ع) به عنوان جانشین و حضرت مهدی(عج) به عنوان امام در جامعه بوده است.

امام هادی(ع) این هدف را به شیوه‌های مختلفی پیگیری کرده‌اند؛ شیوه‌هایی همچون ارائه دلیل و برهان، با هدف اثبات خود به عنوان امام بر حق؛ تجلیل از ائمه اطهار پیشین؛ معرفی جانشینان خود؛ معرفی حضرت مهدی(عج) به عنوان آخرین امام موعود؛ معرفی نواب و وکلاء؛ برائت از دشمنان اهل بیت(ع) و آموزش تقیه از دشمنان به شیعیان.

منابع

- بحرانی، سیدهاشم، (۱۴۱۳ق)، مدینه معجز الأئمة
 الاثنی عشر و دلائل الحجج علی البشر، قم:
 المعارف الإسلامیة.
- بسظام، عبدالله و حسین، (۱۴۱۱ق). طب الأئمة
 علیهم السلام، قم: رضی.
- جانی پور، محمد. (۱۳۹۱). تحلیل محتوای ادعیه
 صحیفه رضویه، تهران: دانشگاه امام
 صادق(ع)، ویژه نامه همایش صحیفه
 رضویه.
- جباری، محمدرضا. (۱۳۸۲). سازمان وکالت و نقش
 آن در عصر ائمه(ع)، قم: مؤسسه آموزش
 پژوهشی امام خمینی(ره).
- چوبینه، مهدی. (۱۳۸۰). طرح مطالعاتی راهنمای
 برنامه درسی، تهران: سازمان پژوهش و
 برنامه ریزی آموزشی.
- حرعاملی، محمدبن حسن. (۱۴۲۵ق). إثبات الهداة
 بالنصوص و المعجزات، بیروت: اعلمی.
- _____ (۱۳۹۱ق). وسائل الشیعه،
 تهران: المكتبة الاسلامیة.
- حموی، محمدبن اسحاق. (۱۳۶۳ش). أنیس
 المؤمنین، تهران: بنیاد بعثت.
- خزعلی، ابوالقاسم. (۱۴۲۶ق). موسوعه الامام
 الهادی(ع)، قم: ولی عصر(عج).
- راوندی، قطب الدین. (۱۴۰۹ق). الخرائج و الجرائح،
 قم: امام مهدی(عج).
- زرکشی، محمدبن عبدالله. (۱۴۱۵ق). البرهان فی
 علوم القرآن، به کوشش یوسف مرعشلی،
 چ ۲، بیروت: دارالمعرفة.
- صدر، سیدمحمد. (۱۴۱۲ق). تاریخ الغیبة، بیروت:
 دارالتعارف.
- قرآن کریم.
- ابن بابویه. (۱۳۷۸ق). عیون أخبار الرضا علیه السلام،
 تهران: جهان.
- _____ (۱۳۹۵ق). کمال الدین و تمام النعمة، چ ۲،
 قم: دارالکتب الاسلامیة.
- ابن شهر آشوب مازندرانی. (۱۳۷۹ق). مناقب
 آل ابی طالب، قم: علامه.
- ابن ط_____ اووس،
 سیدرضی الدین. (۱۴۱۱ق). مهج الدعوات و
 منهج العبادات، قم: دارالذخائر.
- ابو غالب زراری، احمد بن محمد. (۱۳۶۹). رساله أبی
 غالب الزراری إلی ابن ابنه فی ذکر آل
 أعین، قم: مرکز البحوث و التحقیقات
 الإسلامیة.
- احمد بن حنبل. (۱۴۱۶ق). المسند، قاهره:
 دارالحدیث.
- احمد، امین. (۲۰۱۰م). ضحی الاسلام، چ ۳، بیروت:
 دارالکتب العلمیة.
- اربلی، علی بن عیسی. (۱۳۸۱ق). کشف الغمة فی
 معرفة الأئمة، تبریز: مکتبه بنی هاشمی.
- امین عاملی، سیدمحسن. (۱۴۰۳ق). أعیان الشیعة،
 بیروت: دارالتعارف.
- باردن، لورنس. (۱۳۷۵). تحلیل محتوا، ترجمه ملیحه
 آشتیانی و محمد یمنی دوزی، تهران:
 دانشگاه شهید بهشتی.
- بحرانی، سیدهاشم. (۱۴۱۱ق). حلیة الأبرار فی
 أحوال محمد و آله الأطهار(ع)، قم:
 المعارف الإسلامیة.

کیوی، ریمون و لوک وان کامپنهود. (۱۳۸۱). روش تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، چ ۶، تهران: توتیا.

مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۴ق). بحار الانوار، بیروت: موسسه الوفاء.

مسعودی، علی بن حسین. (۱۴۲۶ق). اثبات الوصیه للإمام علی بن ابی طالب، قم: انصاریان.

معارف، مجید. (۱۳۸۳ش). تاریخ حدیث شیعه، چ ۲، تهران: دانشگاه تهران.

مفید، محمدبن محمدبن نعمان. (۱۴۱۳ق). الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.

نباطی بیاضی، علی. (۱۳۸۴ق). الصراط المستقیم إلى مستحقی التقدیم، نجف: المكتبة الحیدریه.

نعمانی، محمدبن ابراهیم. (۱۳۹۷ق). الغیبه، تهران: صدوق.

هولستی، آل. آر. (۱۳۷۳). تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی، ترجمه نادر سالارزاده امیری، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی

صفار، محمدبن حسن. (۱۴۰۴ق). بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد، قم: مکتبه آیت الله المرعشی النجفی.

طبرسی، احمدبن علی. (۱۴۰۳ق). الاحتجاج علی أهل اللجاج، مشهد: مرتضی.

طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۱۷ق). إعلام الوری بأعلام الهدی، قم: آل البيت.

_____ (۱۴۱۱ق). الغیبه للحجه، قم: معارف اسلامی.

طوسی. (۱۴۱۱ق). الغیبه، قم: دارالمعارف الإسلامیه. — (۱۳۶۵ش)، تهذیب الاحکام، چ ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

عبدالوهاب، حسین. (بی تا). عیون المعجزات، قم: مکتبه الداوری.

عیاشی، محمدبن مسعود. (۱۴۱۲ق). التفسیر، تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران: المکتبه العلمیه الإسلامیه.

فیض کاشانی، محمد محسن. (۱۴۰۶ق). الوافی، تصحیح ضیاء الدین حسینی اصفهانی، اصفهان: کتابخانه امیرالمؤمنین علی (ع).

قرشی، باقر شریف. (۱۳۷۵ش). زندگانی امام هادی (ع)، چ ۴، قم: جامعه مدرسین.

کشی، محمدبن عمر. (۱۳۴۸ش). رجال الکشی (اختیار معرفه الرجال)، مشهد: دانشگاه مشهد.

کلینی. (۱۳۶۵ش). الکافی، چ ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

کرپندورف، کلوس. (۱۳۷۸). مبانی روش شناسی تحلیل محتوا، ترجمه هوشنگ نائینی، بی جا: روش.

